





سرشناسه: قپانوری، مریم، - .
عنوان و نام پدیدآور: عنوان کتاب ۱ / مریم قپانوری
مشخصات نشر: قم: امتداد حکمت، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری: ص: ۱۴/۵ × ۲۱/۵ س م
شابک: ISBN: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۳
وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا.



عنوان کتاب ۱

مریم قپانوری





عنوان کتاب ۱

مریم قپانوری

ناشر: انتشارات امتداد حکمت

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۳

قطع: رقعی

بها: ۵۰ هزار تومان

سال چاپ: تابستان ۱۴۰۱

نوبت چاپ: اول

شمارگان: ۱۰۰ نسخه

_____ کلیه حقوق این اثر برای ناشر محفوظ است. _____

تماس با ناشر:

۶۴۷۳ ۴۹۵ ۹۳۶۰ (آقای محمد قمی اویلی)

۱۱۰۵ ۸۲۷ ۹۹۲۰





تقدیم نامہ

تقدیم بہ:

گنجانہ ایستادہ در غبار تاریخ؛

پیشوا سی متقیان؛ امیر مؤمنان علیؑ؛

آں کہ استخوان در گلو و خار در چشم دم فرو بست تا نہال نو شکفتہ اسلام بہ تاراج سوز سرمای زمستان
نرود.

و ہم چنین بانوی آب و آئینہ، حضرت زہراؑی مرضیہؑ

و نیز فرزندان پاک شان؛ ائمہ اطہارؑ

آں کہ با باغبانی خوش این نہال را بہ درختی تو مند تبدیل کردند.

سلام و درود خداوند بر یکھایک شان باد.



فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۱۳

فصل اول: کلیات/ ۱۷

مقدمه..... ۱۹

فصل دوم: مفهوم‌شناسی/ ۲۳

معنای لغوی حکومت:..... ۲۵

معنای اصطلاحی حکومت:..... ۲۵

انواع حکومت:..... ۲۶

حکومت استبدادی:..... ۲۶

حکومت استبدادی فردی:..... ۲۶

حکومت استبدادی گروهی (دیکتاتوری پرولتاریا):..... ۲۶

حکومت استبدادی در لباس دموکراسی:..... ۲۷

حکومت دموکراسی و عیوب آن:..... ۲۷



- ۲۸.....: است شمار گروهی:
- ۲۸.....: اقلیت ها در چهره ی اکثریت:
- ۲۹.....: نامساوی در شرایط مساوی:
- ۲۹.....: دنباله روی به جای رهبری:
- ۲۹.....: حکومت دینی:
- ۲۹.....: خلافت الهی:
- ۳۱.....: حکومتی که در آن احکام دینی رعایت می شود:
- ۳۲.....: حکومت دینداران و متدینان:
- ۳۳.....: معنای لغوی ظهور:
- ۳۳.....: معنای اصطلاحی ظهور:

فصل سوم: ظهور و چگونگی تحقق آن/ ۳۵

- ۳۷.....: علائم ظهور:
- ۳۹.....: زمان ظهور:
- ۳۹.....: روایات دسته ی اول در تعیین وقت ظهور:
- ۴۰.....: روایات دسته دوم در تعیین وقت ظهور:
- ۴۱.....: مکان ظهور:
- ۴۲.....: چگونگی ظهور امام مهدی علیه السلام:
- ۴۲.....: صیحه آسمانی:
- ۴۴.....: خروج سفیانی:

۴۵..... خسف در بیداء

۴۶..... قیام یمانی:

۴۷..... قتل نفس زکیه:

ظهور امام مهدی علیه السلام در مسجد الحرام و سخنرانی ایشان در بین

۴۸..... رکن و مقام:

بیعت فرشتگان و یاران امام با حضرت مهدی علیه السلام و تسلط آن

۴۹..... حضرت برمکه و مدینه:

ورود امام مهدی علیه السلام به کوفه و تسلیم شدن سه پرچم برافراشته

فصل چهارم: ویژگی‌ها و سیره حکومت مهدوی ۵۵/

۵۷..... ویژگی‌های حکومت مهدوی

۵۷..... قلمرو حکومت مهدی:

۶۰..... عوامل موثر در پیروزی امام مهدی علیه السلام بر دولت‌ها:

۶۰..... ناگهانی بودن قیام:

۶۱..... اصلاح سریع کارها با امدادهای غیبی:

۶۱..... ایجاد ترس در دل دشمنان:

۶۱..... کمک به حضرت توسط فرشتگان:

۶۲..... کمک به حضرت با نیروهای طبیعی:

۶۳..... توانمندی و فرماندهی بی نظیر امام مهدی علیه السلام:

۶۴..... یاری مومنان و صالحان:



- ۶۴..... تسلیم شدن مسیحیان:
- ۶۵..... استقبال همگانی و مردمی:
- ۶۶..... مرکز حکومت مهدوی:
- ۶۷..... مدت حکومت مهدوی:
- ۶۸..... مقبولیت حکومت مهدوی:
- ۷۰..... سیره‌ی حکومتی امام مهدی علیه السلام:
- ۷۰..... سیره‌ی شخصی:
- ۷۳..... سیره‌ی اجتماعی:
- ۷۵..... سیره‌ی فرهنگی:
- ۷۶..... احیای کتاب و سنت الهی:
- ۷۹..... مبارزه با بدعت‌ها:
- ۸۰..... سیره‌ی قضایی:
- ۸۳..... سیره‌ی مدیریتی:

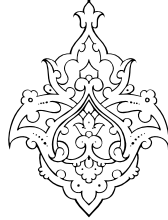
فصل پنجم: اهداف و دستاوردهای حکومت مهدوی/ ۸۵

- ۸۷..... اهداف حکومت مهدوی:
- ۸۷..... رشد معنوی:
- ۸۸..... عدالت گستری:
- ۹۰..... دستاوردهای حکومت مهدوی در عرصه‌ی اجتماعی:
- ۹۰..... عدالت فراگیر:

۹۱.....	رشد فکری، اخلاقی و ایمانی:
۹۳.....	سلامت جسمی و روانی جامعه
۹۴.....	امنیت عمومی
۹۵.....	دستاوردهای حکومت مهدوی در عرصه‌ی اقتصادی:
۹۵.....	ریشه کن شدن فقر:
۹۸.....	رونق بخش‌های کشاورزی، صنعت و معادن:
۱۰۰.....	دستاوردهای حکومت مهدوی در عرصه‌ی عبادی، فقهی و عمرانی
۱۰۰.....	ساخت مسجدی با هزار درب
۱۰۲.....	بازسازی مسجد الحرام و بازگرداندن مقام ابراهیم به جایگاه اصلی خود:
۱۰۶.....	کشتن شیطان و خالی کردن زمین از وجود او:
۱۱۱.....	دستاوردهای حکومت مهدوی در عرصه‌ی دانش‌های تجربی:
۱۱۱.....	گسترش علم:
۱۱۲.....	صنایع و ابزار پیشرفته:
۱۱۷.....	نتیجه‌گیری:
۱۱۸.....	پیشنهادهای
۱۱۹.....	منابع و مآخذ



پیشگفتار



پیشگفتار

موضوع پژوهش حاضر، سیمای حکومت امام مهدی علیه السلام در روایات است. حکومت در لغت به معنای فرمانروایی، داوری، فرمان دادن، دولت و فیصله دادن است و در اصطلاح سیاسی بیانگر ادعای حق حکمرانی در جامعه است. در عصر غیبت امام مهدی علیه السلام بعضی از حکام، مسئولیت حکومت بر مردم را بر عهده گرفته‌اند و دستاورد دولت آنها چیزی جز این نیست که عده‌ای کاخ نشین و جمع زیادی کوخ نشین می‌شوند و شیعیان به جرم شیعه بود نشان کشته می‌شوند و هیچ کس به آنچه که حق مسلمش هست، نمی‌رسد و عدالت از چهره‌ی زمین رخت بر بسته است. بنابراین، همه در انتظار موعودی هستند که روایات، حکومت او را به تصویر کشیده‌اند. حال این سوال مطرح می‌شود که سیمای حکومت امام مهدی علیه السلام در روایات چگونه است؟

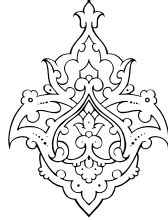
حکومت امام مهدی علیه السلام در روایات را می‌توان در هر یک از جهات تاریخی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... به طور مستقل مورد بررسی قرار داد. اما به علت نبود روایات کافی در هریک از این باب‌ها، در این تحقیق سعی شده است که حکومت آن حضرت در تمام زمینه‌ها مورد بررسی قرار گیرد.

این تحقیق مشتمل بر ۵ بخش و ۲ فصل است که در بخش اول کلیات تحقیق، در بخش دوم مفهوم شناسی، در بخش سوم ظهور و چگونگی تحقق آن، در بخش چهارم که مشتمل بر دو فصل، ویژگی‌ها و سیره‌ی حکومت امام مهدی علیه السلام و در بخش پنجم اهداف و دستاوردهای حکومت مهدوی بیان شده است.



فصل اول

کلیات



مقدمه

حکومت در لغت به معنای فرمانروایی، داوری، فرمان دادن و فیصله دادن است و در اصطلاح سیاسی بیانگر ادعای حق حکمرانی در جامعه است. چنین ادعایی به صورت‌ها و انگیزه‌های مختلفی مطرح می‌شود.

در عصر غیبت امام مهدی علیه السلام بعضی از حکام و سلاطین با ادعای حق موروثی یا قانون وضع شده و یا دیکتاتوری مسئولیت حکومت بر مردم را بر عهده گرفته‌اند و ره‌آورد دولت آن‌ها چیزی جز این نیست که عده‌ای کاخ نشین و جمع زیادی کوخ نشین شده‌اند و شیعیان به جرم شیعه بودنشان کشته می‌شوند و هیچ کس به آنچه که حق مسلمش هست، نمی‌رسد و عدالت از چهره‌ی زمین رخت بر بسته است و همه در انتظار موعودی هستند که روایات، حکومت او را به تصویر کشیده‌اند. حال این سوال مطرح می‌شود که سیمای حکومت امام مهدی علیه السلام در روایات چگونه است؟

حکومت امام محمد صالح روحیه الشریع در روایات را می‌توان در هریک از جهات تاریخی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... به طور مستقل مورد بررسی قرار داد. اما به علت نبود روایات کافی و مناسب در هریک از این باب‌ها، در این تحقیق سعی شده است، حکومت آن حضرت در تمام زمینه‌ها مورد بررسی

قرار گیرد.

مسئله حکومت امام مهدی علیه السلام از جمله مسائلی است که در بحث مهدویت کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در مقابل، مسائلی همچون انتظار، غیبت و زمینه سازی برای فرج چون از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند، بیشتر مورد توجه واقع شده‌اند. بنابراین، نبود پژوهش‌های کافی و کامل در زمینه‌ی حکومت امام عصر علیه السلام، انگیزه‌ای برای انتخاب این موضوع است. از طرفی دیگر، آشنایی با حکومت امام مهدی علیه السلام زمینه‌ای را فراهم می‌کند که منتظران با معرفت بیشتر به آن امام، دوران سخت انتظار را پشت سر گذاشته و با شور و نشاط بیشتری زمینه‌ی ظهور را فراهم کنند.

افزون بر این از آنجا که سال‌هاست منجی عالم بشریت در غیبت به سر می‌برد و غیبت ایشان به طول انجامیده است و به تبع آن شبهاتی در اذهان مردم شکل گرفته است، آشنایی با چگونگی ظهور و حکومت امام مهدی علیه السلام، منتظران آن امام بزرگ را از کجروی در اعتقاد و عمل حفظ خواهد کرد و هم چنین با توجه به اینکه مسئله قیام و حکومت امام مهدی علیه السلام، جهانی است و دشمنان اسلام و قرآن برای انحراف اذهان مردم از مسئله‌ی مهدویت، هزینه‌های هنگفتی را صرف ساخت فیلم‌هایی با محتویات مهدی‌هراسی، منجی ساختگی و دروغین خود کرده‌اند و از طرفی دیگر با تلقین اینکه منجی ساختگی و خون ریزان‌ها بر جهان مسلط خواهد شد، وظیفه‌ی ما این است که سطح آگاهی خود و دیگران را بالا برده و فریب دشمنان را نخوریم.

این تحقیق می‌تواند به عنوان یک مقاله در دسترس مراکزی چون آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها، پژوهشکده‌های مهدویت و حوزه‌های علمیه قرار گیرد.

این تحقیق مشتمل بر یک مقدمه و پنج بخش است که مباحث کلیات، مفهوم شناسی، ظهور و چگونگی تحقق آن، ویژگی‌های حکومت امام مهدی علیه السلام و سیره‌ی حکومتی آن حضرت و اهداف و دستاوردهای حکومت مهدوی بیان شده است.

با توجه به اینکه هر موضوعی در ابتدای تحقیق نیاز به شناخت و تبیین دارد، از این رو بخش اول، کلیات است که شامل تعریف و تبیین موضوع، اهمیت و ضرورت تحقیق، اهداف و فوائد و ... است و در کل این بخش، محتوای تحقیق را بیان می‌کند و با توجه به اینکه محتوا و چارچوب اصلی تحقیق است، این قسمت در ابتدای تحقیق آورده شده است.

بخش دوم، مفهوم شناسی است که شامل مفهوم حکومت و انواع حکومت‌ها و مفهوم ظهور است. در این بخش به حکومت دینی و انواع آن نیز اشاره شده است که حکومت امام مهدی علیه السلام دینی بوده و تمام ارکان آن بر مبنای دین شکل می‌گیرد.

بخش سوم، ظهور و چگونگی تحقق آن است که شامل علائم ظهور و نقش آن‌ها در ظهور امام مهدی علیه السلام است. در این بخش زمان ظهور و مکان آن نیز بیان شده است.

بخش چهارم، ویژگی حکومت امام مهدی علیه السلام و سیره حکومتی آن حضرت است. در این بخش قلمرو حکومت، مرکز و مدت آن، سیره‌ی شخصی، اجتماعی، مدیریتی، فرهنگی و قضایی امام مهدی علیه السلام و دیگر مباحث بیان شده است.

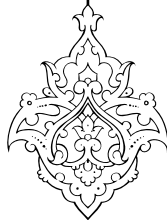
بخش پنجم، اهداف و دستاوردهای حکومت مهدوی است که شامل رشد معنوی، عدالت گستری، دستاوردهای حکومت در عرصه‌ی اجتماعی،

اقتصادی، عبادی، عمرانی، دانش‌های تجربی و دیگر مباحث است.
در پایان بخش پنجم، نتیجه‌گیری، پیشنهادات و منابع و مآخذ بیان
شده است.



فصل دوم:

مفهوم شناسی



معنای لغوی حکومت:

«واژه‌ی حکومت مترادف دولت است و به معنای فرمانروایی، داوری، قضاوت، فرمان دادن و امر کردن، هیئت حاکمه، سلطنت و پادشاهی، دولت و فیصله دادن است.»^۱

«حکومت به معنای فرمانروایی کردن بر یک شهر یا یک کشور و اداره کردن شئون اجتماعی و سیاسی مردم است.»^۲

معنای اصطلاحی حکومت:

«حکومت واژه‌ای سیاسی و در اصطلاح سیاسی بیان گر قوه‌ی حاکمه یک جامعه است. حکومت صرفاً بیانگر ساختار قدرت در جامعه و ویژگی‌های هیئت حاکمه است. از این جهت، حکومت بیانگر ادعای حق حکمرانی در جامعه است. چنین ادعایی به صورت‌ها و انگیزه‌های مختلفی مطرح می‌شود.»^۳

حکومت، ارگانی رسمی است که بر رفتارهای اجتماعی نظارت دارد و

۱. محمد معین، همان، ج ۱، ص ۹۸۳. در کتاب معارف و معاریف نوشته‌ی مصطفی حسینی دشتی به بعضی از این معانی نیز اشاره شده است که برای پرهیز از تکرار بیان نشده است.

۲. حسن عمید، فرهنگ فارسی عمید، ص ۵۲۸.

۳. www.hoze.com

به آن‌ها جهت می‌بخشد.^۱

انواع حکومت:

قبل از بحث در مورد سیمای حکومت امام مهدی علیه السلام در روایات، لازم است که انواع حکومتها و نوع حکومت امام مهدی علیه السلام بیان شود. همان طور که گفته شد حکومت، بیانگر ادعای حق حکمرانی در جامعه است. چنین ادعایی بر اساس انگیزه‌های مختلفی مطرح می‌شود. بنابراین، حکومت‌ها بر این اساس به چند دسته تقسیم می‌شوند که عبارتند از:

حکومت استبدادی:

یکی از اقسام حکومت، حکومت استبدادی است. در این حکومت، ادعای حق حکمرانی در جامعه بر اساس حق موروثی که گاهی مبتنی بر زور و دیکتاتوری است، شکل می‌گیرد.

حکومت استبدادی به چند دسته تقسیم می‌شود که عبارتند از:

حکومت استبدادی فردی:

در حکومت استبدادی فردی، یک فرد بر اساس حق موروثی، ادعای حکومت بر جامعه را دارد. در این نوع از حکومت به جهت عدم صلاحیت حاکم، بردگی و بدبختی و عقب ماندگی دامن گیر بشر می‌شود.

حکومت استبدادی گروهی (دیکتاتوری پرولتاریا):

«در حکومت استبدادی گروهی، گروهی خاص با توسل به زور و

۱. محمد جواد نوروزی، نظام سیاسی اسلام، ص ۹۸.

دیکتاتوری، حکومت جامعه را به دست می‌گیرند. در این نوع حکومت که فرآورده‌ی عصر گسترش ماشینیزم و مخصوص کشورهای کمونیستی است، طبقه پرولتاریا (کارگر جدید) زمام امور را به دست می‌گیرند و با خشونت و سلب آزادی انسان‌ها، خواسته‌های خود را در تمام زمینه‌ها زیر لوای مارکسیسم تحقق می‌بخشند.^۱

حکومت استبدادی در لباس دموکراسی:

در حکومت استبدادی در لباس دموکراسی، فردی خون‌خوار و جبّار که لباس دموکراسی را در برمی‌کند و عنوان آن را یدک می‌کشد، و با راه انداختن حزب و مجلس ساختگی ادای دموکراسی را در می‌آورد. همان حزب و مجلسی ساختگی که لیست مقامات و نمایندگان و رهبران قبل از تشکیل حکومت، نوشته و آماده شده‌اند و بازیگرانش به ترتیب در پشت صحنه، لباس در تن کرده، و آماده‌ی کار می‌شوند و به نوبت نقش خود را با ظاهر شدن در صحنه ایفا می‌کنند.

حکومت دموکراسی و عیوب آن:

در حکومت دموکراسی، افراد یا احزاب بر اساس قرارداد اجتماعی یا قانون وضع شده، بر مردم حکومت می‌کنند. در این سیستم حکومتی، مردم از هر گروه و قشری با آزادی کامل می‌توانند به پای صندوق‌های رأی بروند و نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند و سرنوشت خود را برای چند سال، تحت ضوابطی خاص، به دست آن‌ها بسپارند. آنان نیز با تبادل نظر و مشورت، آزادانه قوانین و مقررات را که حافظ منافع مردم است، وضع می‌کنند. به این نوع از حکومت،

۱. ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۷۵.

حکومت اکثریت‌ها نیز گفته می‌شود.

حکومت دموکراسی چون حکومت مردم بر مردم است، دارای عیوبی است که عبارتند از:

استثمار گروهی:

از جمله معایب حکومت دموکراسی این است که در این نوع از حکومت به دلیل نظرسنجی و دادن حق انتخاب به مردم، همیشه به پنجاه و یک درصد از جمعیت جهان اجازه داده می‌شود که افکار و مقاصد خود را بر چهل و نه درصد جمعیت دیگر، تحمیل کنند و برای حفظ منافع اکثریت، منافع گروه قابل ملاحظه‌ای که تنها دو درصد یا حتی گاهی یک درصد با آن‌ها تفاوت دارند، نادیده گرفته می‌شود. این مسئله ضربه‌ای بزرگ بر عدالت و آزادی در جهان است.

اقلیت‌ها در چهره‌ی اکثریت:

«از دیگر معایب دموکراسی این است که در این نوع از حکومت، اقلیت‌ها در چهره‌ی اکثریت ظاهر می‌شوند و عقاید خود را بر آن‌ها تحمیل می‌کنند. به این ترتیب که صاحبان زر و زور، با در دست داشتن وسایل ارتباط جمعی، اهداف و مقاصد و برنامه‌های مورد نظر خویش را به طور مستقیم و غیر مستقیم عملی می‌کنند و چنان اکثریت را شستشوی مغزی می‌دهند که عملاً حکومتی روی کار می‌آید که تنها در مسیر منافع این اقلیت افزون طلب گام برمی‌دارند.»^۱

نامساوی در شرایط مساوی:

در حکومت دموکراسی به دلیل رأی‌گیری از مردم، هرکس تحت هرشرایطی، تنها دارای یک رأی است. به عبارت دیگر، رأی یک دانشمند بزرگ با یک فرد بی‌سواد، کاملاً مساوی است و هم‌چنین رأی یک انسان عفیف خوش‌نام با رأی یک دزد برابر است. این مسئله یک بی‌عدالتی در سیستم دموکراسی است. چرا که یکی از آن دو نفر می‌تواند هزار برابر دیگری سرنوشت ساز باشد.

دنباله روی به جای رهبری:

یکی دیگر از عیوب دموکراسی، دنباله روی به جای رهبری است. حکومت‌ها و نمایندگان در این نوع از حکومت خود را ملزم به رعایت خواسته‌های اکثریت می‌دانند، چرا که برای حال و آینده چشمشان به آن‌ها دوخته شده است و بدون این دنباله روی موقعیت و قدرتشان به خطر خواهد افتاد. بنابراین، در این حکومت، مسئله رهبری جای خود را به دنباله روی داده است و مفاسد و مظالم و انحرافات و آلودگی‌های اجتماعی از هر نوع که مورد علاقه‌ی اکثریت باشد نه تنها دنبال، بلکه تشدید می‌شود.

حکومت دینی:

یکی از انواع حکومت که با حکومت دموکراسی و استبدادی تمایز بنیادین دارد، حکومت دینی و اسلامی است. این نوع از حکومت براساس داعیه‌های دینی و الهی صورت می‌گیرد و دارای معانی متعددی است که عبارتند از:

خلافت الهی:

در این حکومت، همه‌ی قوانین و مقررات اجرایی آن برگرفته از احکام دینی است. به عبارت دیگر، وضع قانون در این حکومت، خاص خداوند متعال



است و احکام و مقررات جزئی و موقت به وسیله‌ی کسانی که از سوی خداوند اذن قانون گذاری دارند، وضع می‌شود. مجریان این حکومت، مستقیم از طرف خداوند منصوبند و یا به اذن خاص یا عام معصوم علیه السلام منصوب شده‌اند. این حکومت، حکومت دینی ایده‌آل و کمال مطلوب است؛ زیرا حکومتی با این خصوصیات از پشتوانه‌ی حکم الهی برخوردار است.

حکومت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام و حاکمیت افرادی همچون مالک اشتر در زمان حضور امام معصوم علیه السلام و با حکومت ولی فقیه جامع الشرایط در عصر غیبت، حکومت‌هایی هستند که تمام ارکان در آن براساس دین شکل گرفته است.

«از دیدگاه اسلام، بهترین نظام حکومتی آن است که در آن، کسی که در رأس هرم قدرت قرار می‌گیرد، معصوم باشد تا به لحاظ احاطه‌ی علمی به احکام و قوانین الهی و از جهت شناخت اوضاع و احوال و مصالح و مفاسد جزئی و از لحاظ تقوا، ورع و عدالت در عالی‌ترین حد ممکن باشد.»^۱

با مرور تاریخ صدر اسلام در می‌یابیم که پیامبر صلی الله علیه و آله فقط جامعه ابتدایی مسلمانان را که در شهر مدینه تشکیل شده بود به طور مستقیم سرپرستی می‌نمود و در همان زمان، وقتی دین اسلام گسترش یافت و از مرز شهر مدینه فراتر رفت، تولیت همه‌ی امور از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله ممکن نبود. به همین جهت، کسانی از سوی آن حضرت، متصدی امور گوناگون شدند.

امام علی علیه السلام نیز در دوران زمامداری خویش و در راستای حل و فصل امور مردم، افرادی را به عنوان حاکم یا قاضی برمی‌گزید و به شهرهای مختلف

می‌فرستاد. بنابراین، در هیچ جامعه‌ای امکان ندارد که دو یا چند معصوم علیهم‌السلام، به طور مستقیم و بدون واسطه، اداره‌ی همه‌ی امور را بر عهده بگیرند.

پس در زمان حضور معصوم علیهم‌السلام تنها شکل ممکن حکومت این است که معصوم علیهم‌السلام در رأس هرم قدرت جای گیرد و افراد دیگری را که معصوم نیستند در سلسله مراتب قدرت به کار گرفته، بر رفتار آن‌ها نظارت کند. بنابراین، حکومت امام مهدی علیهم‌السلام حکومتی است که آن حضرت در رأس هرم قدرت جای می‌گیرد و تمام ارکان آن براساس دین شکل می‌گیرد اما در عصر غیبت، افرادی که نازل منزله‌ی معصومان (علیهم‌السلام) شمرده می‌شوند، عهده‌دار اداره‌ی امور جامعه می‌شوند.

بنابر آیه ۵۹ سوره نساء که می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...»

ای اهل ایمان، اطاعت کنید خدا و رسول و صاحبان امر از خودتان را...

در تفسیر نمونه، ذیل این آیه آمده است همه‌ی مفسران شیعه در این زمینه اتفاق نظر دارند که منظور از اولولامر، امام معصوم علیهم‌السلام می‌باشند که رهبری مادی و معنوی جامعه‌ی اسلامی در تمام شئون زندگی از طرف خداوند و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به آن‌ها سپرده شده است و غیر آن‌ها را شامل نمی‌شود.^۱

حکومتی که در آن احکام دینی رعایت می‌شود:

یکی دیگر از انواع حکومت دینی، حکومتی است که در آن صرفاً احکام دینی رعایت می‌شود. اما لازم نیست شخص حاکم، منصوب مستقیم یا غیر

۱. ناصر، مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۵۵۷.

مستقیم خدا باشد. در این صورت مجری این حکومت، پشتوانه‌ی الهی ندارد و دینی بودن حکومت، صرفاً به این معناست که قوانین دینی در این حکومت رعایت می‌شود. حتی مطابق این معنا، لازم نیست تمام قوانین حکومت برگرفته از احکام و قوانین شرع باشد، بلکه کافی است که تا حدودی احکام و ارزش‌های دینی در این حکومت رعایت شود. این حکومت در مرتبه‌ی بعد از حکومت دینی به معنای اول قرار دارد.

حکومت دینداران و متدینان:

در حکومت دینداران و متدینان، رعایت قوانین اسلامی لازم نیست، بلکه همین که حکومت مربوط به افراد متدین است (چون شهروندان متدین هستند) به طور مسامحه دینی به حساب می‌آید. بنابراین، همه‌ی حکومت‌هایی که از صدر اسلام تاکنون در مناطق مختلف جهان در جوامع مسلمانان تشکیل شده است، حکومت دینی نامیده می‌شوند.

«معنای سوم حکومت دینی، طبق معیار و موازین عقیدتی ما، معنایی صحیح و قابل قبول نیست. در نظام عقیدتی اسلام، حکومتی دینی است که تمام ارکان آن دینی باشد یعنی به معنای اول از معانی حکومت دین، دینی باشد. اما معنای دوم حکومت دینی، در واقع جانشین اضطرابی برای حکومت دینی مقبول است نه اینکه در حقیقت دینی باشد. به عبارت دیگر در صورت عدم امکان تحقق حکومت به معنای اول، به ناچار سراغ حکومت دینی به معنای دوم می‌رویم.»^۱

جامعه‌ی امروز در شرایطی است که به علت غیبت امام عصر (عجله)، تحقق خلافت الهی به رهبری امام معصوم (عجله) امکان ندارد. بنابراین، مسلمانان

مضطر هستند که حکومتی را تشکیل دهند که در آن احکام دینی رعایت می‌شود، یعنی حکومت دینی به معنای دوم؛ زیرا در این حکومت، احکام الهی تا حدودی اجرا می‌شود و همین اندازه بهتر از حکومتی است که به طور مطلق اعتنائی به احکام ندارد. البته حکومت در کشور ما از نوع حکومت به معنای اول است؛ زیرا در رأس جامعه رهبری وجود دارد که تمام شرایط حاکم اسلامی را دارد.

معنای لغوی ظهور

«ظهور در لغت به معنای ظاهر شدن، آشکار شدن و نمایان شدن است.»^۱

معنای اصطلاحی ظهور

۱. ظهور یعنی از پس پرده بیرون آمدن. هرگاه امام مهدی علیه السلام حجاب غیبت را کنار بزند و خود را به مردم نشان دهد، ظهور اتفاق افتاده است. این برداشت ویژه امامیه است که معتقد به غیبت آن حضرت است.

۲. ظهور یعنی اعلام موجودیت یک انقلاب (در اصطلاح جدید) و یا قیام به شمشیر (در اصطلاح قدیم). این معنی در دیدگاه امامیه و غیر امامیه نسبت به امام مهدی علیه السلام صادق است؛ زیرا همه بر این باورند که آن حضرت بزرگ‌ترین رهبر انقلابی بر ضد ظلم و بیداد است.

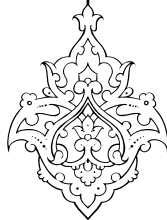
۳. ظهور به معنای چیرگی و پیروزی است. این معنا هنگامی درست است که حکومت مهدی علیه السلام استقرار یابد و تثبیت شود.^۲

۱. مصطفی، حسینی دشتی، همان، ج ۴، ص ۱۰۸.

۲. محمد صدر، تاریخ پس از ظهور، ترجمه‌ی حسن سجادی پور، ص ۱۶۹.

فصل سوم

ظہور و چگونگی تحقق آن



علائم ظهور:

«علامت در لغت به معنای نشانه است. منظور از علائم ظهور، نشانه‌هایی است که نزدیک شدن ظهور را خبر می‌دهند. با تحلیل ماهیت علائم ظهور در می‌یابیم که نشانه‌های ظهور در مقایسه با ظهور، رابطه‌ی سببی ندارند. به عبارت دیگر، این گونه نیست که به محض تحقق نشانه‌ها بگوئیم ظهور حتماً تحقق خواهد یافت، بلکه تنها جنبه‌ی اعلام و کاشفیت دارند، یعنی تحقق آن‌ها، کاشف از این رو واقعیت است که ظهور نزدیک شده است.

آنچه از ظاهر روایات به دست می‌آید، تقسیم علائم ظهور به حتمی و غیر حتمی است. علائم غیر حتمی یا موقوف، نشانه‌هایی است که رخ دادن آن‌ها قطعی نیست و ممکن است به دلیل عدم تحقق شرایط یا ایجاد مانع به وقوع نپیوندند. در مقابل علائم غیر حتمی، علائم حتمی است که به علائمی گفته می‌شود که رخ دادن آن‌ها حتمی و قطعی است.»^۱

بنابر روایات، در میان علائم ظهور، پنج علامت به عنوان علائم حتمی ظهور نام برده شده است که عبارتند از: ۱. خروج سفیانی ۲. خسف در بیداء

۱. جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، آفتاب مهر (پرسش‌ها و پاسخ‌های مهدوی)،

۳. خروج یمانی ۴. قتل نفس زکیه ۵. صیحه آسمانی.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ خَمْسُ عَلَامَاتٍ مُحْتَوَمَاتٍ: الْيَمَانِي وَ السَّفِيَانِي وَ

الصَّيْحَةُ وَ قَتْلُ نَفْسِ الزَّكِيَّةِ وَ الْخُسْفُ بِالْبَيْدَاءِ.»^۱

پیش از قیام قائم علیه السلام پنج نشانه‌ی حتمی خواهد بود: یمانی، سفیانی، صیحه [آسمانی]، قتل نفس زکیه، فرو رفتن در [زمین] بیداء.

در روایات، علائم غیر حتمی ظهور فراوانند که به دلیل غیر حتمی بودنشان، تنها به یک نشانه از باب نمونه اشاره می‌شود:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِذَا رَأَيْتُمْ عَلَامَةً فِي السَّمَاءِ نَارًا عَظِيمَةً مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ تَظْلُعُ لَيَالِي فَمِنْهَا فَرَجُ النَّاسِ وَ هِيَ قُدَّامُ الْقَائِمِ عليه السلام بِقَلِيلٍ.»^۲

هنگامی که در آسمان نشانه‌ای دیدید [که آن] آتش بزرگی است که از جانب مشرق چند شب سر می‌کشد، پس فرج مردم در آن وقت است و آن اندکی پیش از [قیام] قائم علیه السلام است.

«جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت معتقد هستند که در منابع روایی به بسیاری از رخ داده‌های طبیعی، غیر طبیعی، دگرگونی‌های سیاسی و حوادث اجتماعی به عنوان نشانه‌های ظهور اشاره شده است. بدیهی است روایات مربوط به این مسئله مانند سایر مسائل دیگر از جهت درستی و اعتبار یکسان نیستند. بلکه در میان این روایات،

۱. ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، کمال الدین و تمام النعمه، ترجمه‌ی منصور پهلوان، ج ۲، باب ۵۷، ح ۷، ص ۵۵۶.

۲. محمد بن ابراهیم بن جعفر الکاتب النعمانی، متن و ترجمه‌ی غیبت نعمانی، ترجمه‌ی محمد جواد غفاری، باب ۱۴، ص ۳۷۶.

برخی از جهت سند غیر قابل اعتمادند و برخی هم از جهت مضمون و مطالبی که در آن‌ها مطرح شده است، جای بحث و تأمل دارند. بنابراین، نمی‌توان به صرف دیدن یک روایت، بدون بررسی کارشناسانه از جهت سند و دلالت، به آن اعتماد کرد و آن را پذیرفت.^۱

بنابراین در میان دو دسته علائم حتمی و غیر حتمی، علائم حتمی قطعاً به وقوع می‌پیوندند و از جهت سند قابل اعتمادند. اما علائم غیر حتمی، وقوع آن‌ها قطعی نیست و از جهت سند و یا مضمون نیز قابل اعتماد نیستند.

زمان ظهور:

در تعیین زمان ظهور دو دسته روایات وجود دارد که دسته اول بیانگر وقت ظهور هستند و دسته‌ی دوم زمان ظهور را مشخص نکرده‌اند و علم آن را مختص به خداوند متعال می‌دانند.

روایات دسته‌ی اول در تعیین وقت ظهور:

امام صادق علیه السلام فرمود:

«لَا يَخْرُجُ الْقَائِمُ إِلَّا فِي وَتْرٍ مِنَ السِّنِينَ، تِسْعٍ وَثَلَاثٍ وَخَمْسٍ وَإِخْدَى»^۲

قائم علیه السلام خروج نمی‌کند مگر در یک سال فرد، از جمله‌ی سال‌های نه و سه و پنج و یک.

روایتی که ذکر شد، بیانگر سال ظهور حضرت به صورت اجمالی است و به صورت دقیق، مسأله را بیان نکرده است.

امام جواد علیه السلام فرمود:

۱. جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، همان، ص ۲۵۲.

۲. محمد بن حسن طوسی، متن و ترجمه‌ی کتاب الغیبة، ترجمه‌ی مجتبی عزیزی، ص ۷۶۶.

«كَأَنِّي بِالْقَائِمِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ السَّنْبِتِ قَائِمًا بَيْنَ الرَّحْمَنِ وَالْمَقَامِ بَيْنَ يَدَيْهِ
جَبْرِئِيلُ يُنَادِي: الْبَيْعَةُ لِلَّهِ فَيَمْلُكُهَا عَدْلًا كَمَا مِلْتُمْ ظُلْمًا وَجُورًا.»^۱

گویا قائم را می بینم که در روز عاشورا که روز شنبه خواهد بود، بین رکن و مقام ایستاده، جبرئیل در پیشاپیش ایشان ندا می کند که بیعت برای خداست و حضرت، زمین را همان گونه که پراز ظلم و جور شده است، مملو از عدل می کند.

روایت مذکور، روز ظهور حضرت را عاشورا که روز شنبه خواهد بود، به صورت اجمالی بیان کرده است. بنابراین، ماه ظهور حضرت مهدی علیه السلام، ماه محرم خواهد بود.

روایات دسته دوم در تعیین وقت ظهور:

روایات دسته ی دوم، در تعیین وقت ظهور سکوت کرده اند و زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام را همانند زمان قیامت که علم آن در نزد خداوند متعال است، بیان کرده اند.

امام رضا علیه السلام فرمودند:

«وَأَمَّا مَتَى فَإِخْبَارٌ عَنِ الْوَقْتِ وَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ آبَائِهِ
أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَتَى يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ دُرَيْتِكَ؟
فَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَةِ الَّتِي لَا يُحِيلُهَا لَوْفَتُهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا تَأْتِيكُمْ إِلَّا بَغْتَةً»^۲

اما اینکه چه زمانی [مهدی] ظهور خواهد کرد؟ پدرم از پدرش و ایشان از پدرانش نقل کرد وقتی که به پیامبر صلی الله علیه و آله گفته شد: «قائم از فرزندان

۱. همان، ص ۷۶۵.

۲. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۵۴.

کی ظهور خواهد کرد؟» آن حضرت در جواب فرمود: «مثل ظهور او، همانند ساعت [قیامت] است که خداوند در باره آن فرمود: «هیچ کس جز او نمی‌تواند وقت آن را آشکار سازد، در آسمان‌ها و زمین سنگین است و این امر اتفاق نمی‌افتد مگر به صورت ناگهانی.»

در روایتی دیگر امام مهدی علیه السلام فرمود:

«أَمَّا ظُهُورُ الْقُرْجِ، فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَكَذَّبَ الْوَقَّاتُونَ»^۱

اما ظهور فرج، پس به درستی که کار آن با خدای تعالی است و تعیین کنندگان وقت، دروغ می‌گویند.

با مقایسه بین روایات دسته اول و دوم به این نتیجه می‌رسیم که این دو دسته تعارضی با هم ندارند؛ چرا که در روایات دسته اول، زمان ظهور به صورت اجمالی بیان شده است. به عبارت دیگر، اگر در این روایات گفته شده است که امام مهدی علیه السلام در روز شنبه مصادف با روز عاشورا در یکی از سال‌های فرد ظهور می‌کند، به طور دقیق سال ظهور بیان نشده است؛ زیرا از کلمه‌ی «فی وترٍ من السنین» استفاده شده است.

بنابراین، روایات دسته‌ی اول با روایات دسته‌ی دوم که تعیین کنندگان وقت ظهور را دروغ‌گو معرفی کرده است، هیچ تعارضی ندارند.

مکان ظهور:

بنابر روایات، امام مهدی علیه السلام در مکه ظهور می‌کند و قیام خود را برای تشکیل حکومت از این شهر شروع می‌کند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

۱. شیخ صدوق، همان، ج ۲، باب ۴۵، ح ۴، ص ۲۳۷.

«كَأَنِّي بِالْقَائِمِ عَلَيْهِ عَلَى نَجَفِ الْكُوفَةِ، قَدْ سَارَ إِلَيْهَا مِنْ مَكَّةَ فِي خَمْسَةِ
أَلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، جَبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِهِ، وَمِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ، وَالْمُؤْمِنُونَ
بَيْنَ يَدَيْهِ، وَهُوَ يُفَرِّقُ الْجُنُودَ فِي الْبِلَادِ»^۱

گویا حضرت قائم علیه السلام را می نگرم که از مکه به همراهی پنج هزار فرشته
در حالی که جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ و
مؤمنان پیش رویش هستند، به نجف و کوفه آمده و لشگرها را به
شهرها می فرستد.

کلمه «مِنْ مَكَّةَ» در روایت فوق بیانگر این است که ابتدای شروع قیام و
ظهور در مکه می مکرمه است.

چگونگی ظهور امام مهدی علیه السلام:

چگونگی ظهور امام مهدی علیه السلام و محقق شدن امر ظهور، متوقف بر علائم
حتمی پنج گانه ای است که آن ها را ذکر کردیم. در اینجا این علائم و رابطه ی
آن ها با ظهور امام مهدی علیه السلام بیان می شود.

صیحه آسمانی:

یکی از علائمی که پیش از ظهور اتفاق می افتد صیحه آسمانی است که منظور
از آن، صدایی است که در آستانه ی ظهور حضرت مهدی علیه السلام از آسمان به
گوش می رسد و همه ی مردم آن را می شنوند.

از آنجاکه قیام امام مهدی علیه السلام انقلابی جهانی است و همه منتظر وقوع
آن هستند، یکی از راه های آگاهی مردم جهان از این رویداد، همین صیحه
یا ندای آسمانی است. این ندا هم چنان که مایه ی شادمانی مؤمنان است،

۱. محمد بن محمد مفید، الإرشاد، ترجمه ی سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۵۱۹.

هشدار برای بدکاران است تا از کردار زشت خود دست کشیده، به حلقه‌ی یاوران مصلح جهانی بپیوندند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ الْقَائِمَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ يَنَادِي اسْمَهُ لَيْلَةَ ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ وَ يَقُومُ يَوْمَ عَاشُورَا، يَوْمَ قُتِلَ فِيهِ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَام.»^۱

در شب بیست و سوم ماه [رمضان] به نام قائم ندا داده می‌شود و در روز عاشورا که روز قتل حسین بن علی علیه السلام است قیام می‌فرماید.

در روایتی دیگر امام باقر علیه السلام فرمود

«الصَّيْحَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ [إِنَّ شَهْرَ الرَّمَضَانَ شَهْرُ اللَّهِ]»^۲

آن صیحه جز در ماه رمضان بر نخواهد [زیرا ماه رمضان] ماه خداست.

از دو روایت ذکر شده، در می‌یابیم که ندای آسمانی در ماه رمضان و شب بیست و سوم از آسمان شنیده می‌شود. بنابر روایات این ندای آسمانی، صدای جبرئیل علیه السلام است که به اسم قائم علیه السلام ندا می‌دهد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ عليه السلام فَيَسْمَعُ مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ إِلَى الْمَغْرِبِ فَلَا يَبْقَى رَاقِدٌ إِلَّا قَامَ وَلَا قَائِمٌ إِلَّا قَعَدَ وَلَا قَاعِدٌ إِلَّا قَامَ عَلَى رِجْلَيْهِ مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ وَهُوَ صَوْتُ جِبْرِيلَ الرُّوحِ الْأَمِينِ.»^۳

منادی از آسمان به اسم قائم ندا می‌دهد که از شرق تا غرب عالم شنیده می‌شود. پس هیچ خوابیده‌ای نمی‌ماند مگر اینکه می‌ایستد و هیچ

۱. محمد بن حسن طوسی، همان، ص ۷۶۵.

۲. محمد بن ابراهیم نعمانی، همان، باب ۱۴، ص ۳۵۸.

۳. محمد بن حسن طوسی، همان، ص ۷۶۶.

ایستاده‌ای نمی‌ماند مگر اینکه می‌نشینند و هیچ نشسته‌ای نمی‌ماند
مگر اینکه از عظمت آن صدا روی پاهایش می‌ایستد؛ چرا که آن
صورت، صدای جبرئیل روح الامین است.

خروج سفیانی:

یکی دیگر از علایمی که پیش از ظهور اتفاق می‌افتد و با ظهور امام مهدی علیه السلام
مرتبط است، خروج سفیانی است. سفیانی مردی از نسل ابوسفیان است که
بنابر روایات، در منطقه شام خروج می‌کند و با تصرف بخش‌هایی از سرزمین
اسلام، برای یافتن و کشتن شیعیان جایزه تعیین می‌کند.
امام صادق علیه السلام فرمود:

«إذا ملك الكور الشام الخمس: دمشق، حمص و فلسطين و الاردن و
قُتسرين فتوقعوا الفرج.»^۱

هرگاه او [سفیانی] بر مناطق پنج گانه شام: دمشق، حمص، فلسطین،
اردن و قنسرین حکومت پیدا کرد، منتظر فرج باشید.

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام فرمود:

«كأنى بالسفیانى أو لصاحب السفیانى قد طرح رُخْلُهُ فى رحبتكم
بالكوفة فنادى منادیه: من جاء برأس [رجل من] شیعة علی فله ألف
درهم فیثب الجار علی جاره ویقول: هذا منهم، فیضرب عنقه ویأخذ
ألف درهم.»^۲

گویا سفیانی یا دوستان سفیانی را می‌بینم که در شهر شما که کوفه باشد،
فرود آمده و منادی ندا می‌دهد: هرکس که سر یکی از شیعیان علی علیه السلام

۱. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۱۸۲.

۲. محمد بن حسن طوسی، همان، ص ۷۶۳.

را بیاورد. هزار درهم پاداش دارد. پس همسایه، همسایه را می‌گیرد و می‌گوید: این از همان‌هاست [یعنی از شیعیان است]، پس گردن او را می‌زند و هزار درهم می‌گیرد.

بنابر روایت مذکور، سفیانی فردی خون ریز است که با اهل بیت علیهم‌السلام و شیعیان آن‌ها دشمنی دارد.

خسف در بیداء

از دیگر علائمی که پیش از ظهور اتفاق می‌افتد، خسف در بیداء است. خسف به معنای فرو رفتن و بیداء، نام سرزمینی بین مکه و مدینه است.

همان طور که گفته شد همه‌ی مردم به واسطه‌ی صیحه‌ی آسمانی از ظهور امام مهدی علیه‌السلام آگاه می‌شوند. سفیانی نیز با شنیدن صیحه‌ی آسمانی، لشگری را برای مقابله با امام علیه‌السلام به سمت مکه می‌فرستد و چون این لشگر به سرزمین بیداء می‌رسند، خداوند آن‌ها را در کام زمین فرو می‌برد و از این لشگر جز یک نفر باقی نمی‌ماند. آن یک نفر خبر این حادثه را به سفیانی می‌رساند.

امام مهدی علیه‌السلام بعد از اینکه بر کوفه مسلط شد، با لشگر سفیانی مقابله می‌کند. گفتگوها و اندرزهای حضرت، در دل سفیانی و یارانش اثر نمی‌کند و در نهایت با برافروخته شدن آتش جنگ بین امام مهدی علیه‌السلام و سفیانی، سفیانی مغلوب می‌شود.

امام باقر علیه‌السلام فرمود:

«إن سفیانی یبعث الیه من الشام جيشاً، فیخسف بهم بالبیداء. فلا

ینجوا منهم إلاّ مخبر. فیسیر الیه السفیانی بمن معه فتکون النصرة

للمهدی ویذبح السفیانی.»^۱

سفیانی سپاهی را از شام به دنبال امام می فرستد. اما این سپاه در منطقه بیداء فرو می رود و جز شخصی که خبر آن واقعه را می رساند، کسی از آن ها زنده نمی ماند. سفیانی به همراه نیروهایش به سوی امام حرکت می کند، اما آن حضرت پیروز شده و سفیانی را خواهد کشت.

قیام یمانی:

از دیگر علائم حتمی ظهور، قیام شخصی معروف به یمانی است. بنابر روایات، قیام یمانی هم زمان با خروج سفیانی است. او مردم را به امام مهدی علیه السلام دعوت می کند و پرچم قیامش پرچم هدایت است.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«خُرُوجُ السُّفْيَانِيِّ وَالْخُرَّاسَانِيِّ فِي سَنَةٍ وَاحِدَةٍ، فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ، فِي يَوْمٍ وَاحِدٍ، وَنِظَامٌ كِنِظَامِ الْحَزَنِّ يَتَّبِعُ بَعْضُهُ بَعْضًا. فَيَكُونُ الْبَأْسُ مِنْ كُلِّ وَجْهِ وَيَلُحُّ نَاوَاهُمْ وَلَيْسَ فِي الرَّايَاتِ رَايَةٌ أَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ، هِيَ رَايَةُ هُدًى لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى صَاحِبِهِمْ. فَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ حَرَمَ بَيْعِ السِّلَاحِ عَلَى النَّاسِ وَكُلِّ مُسْلِمٍ وَإِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ فَانْتَهَضَ إِلَيْهِ فَإِنَّ رَايَتَهُ رَايَةُ هُدًى وَلَا يَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ يَلْتَوِي عَلَيْهِ، فَنَ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لِأَنَّهُ يَدْعُو إِلَى الْحَقِّ وَإِلَى طَرِيقِ مُسْتَقِيمٍ»^۱

خروج سفیانی و یمانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز واقع خواهد شد. با نظام و تربیتی همچون نظام یک رشته که به بند کشیده شده، هریک از پی دیگری و جنگ قدرت و هیبت از هر سوی فراگیر شود. وای بر کسی که با آنان دشمنی و ستیز کند. در میان پرچم ها راهنماتر از پرچم یمانی نباشد که آن پرچم هدایت است، زیرا دعوت به صاحب شما می کند و

۱. محمد بن ابراهیم بن نعمانی، همان، باب ۱۴، ح ۱۳، ص ۳۶۱.

هنگامی که یمانی خروج کند، خرید و فروش سلاح برای مردم و هر مسلمانی ممنوع است و چون یمانی خروج کرد، به سوی او بشتاب که همانا پرچم او پرچم هدایت است. هیچ مسلمانی را روا نباشد که با آن پرچم مقابله کند پس هرکس چنین کند او از اهل آتش است؛ زیرا او به سوی حق و راه مستقیم فرا می خواند.

قتل نفس زکیه:

«آخرین علامت حتمی ظهور، قتل نفس زکیه است. نفس زکیه به معنای شخص به رشد و کمال رسیده، یا انسان پاک و بی گناهی است که قتلی انجام نداده است و مقصود از قتل نفس زکیه این است که اندکی پیش از قیام امام مهدی علیه السلام، شخصیت برجسته و یا بی گناهی به دست مخالفان امام مهدی علیه السلام کشته می شود.»^۱

از برخی روایات استفاده می شود که نفس زکیه، جوانی است از فرزندان پیامبر صلی الله علیه و آله به نام محمد بن حسن که گویا چون انسان پاک و وارسته ای است، پانزده روز پیش از ظهور امام مهدی علیه السلام در مسجد الحرام بی گناه کشته می شود و به همین دلیل به نفس زکیه معروف شده است.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«إِنَّ نَفْسَ الزَّكِيَّةِ هُوَ غُلَامٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ إِثْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ يَقْتُلُ بِالْجَرَمِ

فَإِذَا قُتِلَ فَعِنْدَ ذَلِكَ يَبْعَثُ اللَّهُ قَائِمَ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام»^۲

نفس زکیه جوانی از خاندان پیامبر است. اسم او محمد بن حسن

۱. محمد امین بالادستیان، محمد مهدی حائری پور و مهدی یوسفیان، نگین آفریش، ص

است و بی گناه کشته می‌شود آن گاه که چنین شد. خداوند قائم آل محمد علیه السلام را بر می‌انگیزد.

در روایتی دیگر امام باقر علیه السلام فرمود:

«لَيْسَ بَيْنَ قِيَامِ الْقَائِمِ عليه السلام وَقَتْلِ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ أَكْثَرُ مِنْ خَمْسِ عَشْرَةِ لَيْلَةٍ»^۱

میان ظهور قائم علیه السلام و کشته شدن نفس زکیه بیش از پانزده شب فاصله نخواهد شد.

ظهور امام مهدی علیه السلام در مسجد الحرام و سخنرانی ایشان در بین رکن و مقام:

وقتی که ظلم و تباهی همه‌ی عالم را در برگرفته است و آن گاه که ستمگران، گستره زمین را جولان گاه بدی‌ها و نامردی‌ها ساخته‌اند و مظلومان جهان، دست‌های یاری‌خواهی را رو به آسمان بلند کرده‌اند، ناگهان ندایی آسمانی، ظلم را در هم می‌شکند و در ماه خدا، رمضان، ظهور موعود بزرگ را بشارت می‌دهد. در این هنگام منتظران از هرکسی سراغ کوی امام مهدی علیه السلام را می‌گیرند. بعد از شهادت نفس زکیه به فاصله‌ی کوتاهی، امام مهدی علیه السلام در سیمای مردی جوان در مسجد الحرام ظهور می‌کند. آن حضرت در حالی که به حجر الاسود تکیه زده است، در بین رکن و مقام سخنرانی می‌کند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«إِنَّ الْقَائِمَ يَهْبِطُ مِنْ سَنِيَةِ ذِي طَوًى فِي عِدَّةِ أَهْلِ الْبَدْرِ ثَلَاثَ مِائَةٍ وَثَلَاثَةِ عَشَرَ رَجُلًا. حَتَّى يُسْنِدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَيَهْزُ الرَّايَةَ الْغَالِبَةَ.»^۲

۱. محمد بن محمد مفید، همان، ج ۲، ص ۵۱۳.

۲. محمد بن ابراهیم نعمانی، همان، باب ۲۰، ح ۹، ص ۴۳۷.

قائم علیه السلام در میان گروهی به عدد اهل بدر سیصد و سیزده تن از ثنیهی (گردنهی) ذی طوی پایین می آید تا آنکه پشت خود را به حجر الأسود تکیه می دهد و پرچم پیروزی را به اهتزاز در می آورد.

امام مهدی علیه السلام در سخنرانی خود، مردم را به سوی حق دعوت می کند و در آن هنگام به خداوند قسم می خورد که به روش رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار کند. امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِذَا أذن الله تعالى للقائم في الخروج صعد المنبر، فدعا الناس الى نفسه وناشدهم بالله ودعاهم إلى حقه وأن يسير فيهم بسيرة رسول الله صلی الله علیه و آله و يعمل فيهم بعمله»^۱

آنگاه که خداوند به حضرت قائم علیه السلام اجازه ی خروج دهد، آن جناب به منبر رود و مردم را به سوی خویش دعوت کند و به خداوند سوگندشان دهد و به حق خویش آنان را بخواند و به اینکه در میان آنان به روش رسول خدا صلی الله علیه و آله رفتار کند و به کردار آن جناب عمل کند.

بیعت فرشتگان و یاران امام با حضرت مهدی علیه السلام و تسلط آن حضرت بر مکه و مدینه:

بعد از تمام شدن سخنرانی امام مهدی علیه السلام فرشتگان و یاران امام مهدی علیه السلام با آن حضرت بیعت می کنند. بنابر روایات، اولین کسی که با امام علیه السلام بیعت می کند، حضرت جبرئیل علیه السلام است.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«إِذَا أذن الله تعالى للقائم في الخروج ... فبيعت الله جل جلاله جبرئيل عليه السلام حتى يأتيه فينزل على الحطيم، يقول: «إلى أي شيء تدعو؟»

۱. محمد بن محمد مفید، همان، ج ۲، فصل ۵، ص ۵۲۳.



فیخبره القائم علیه السلام فیقول جبرئیل أنا أول من یبایعک، أبسط یدک فیمسح علی یده، وقد وافاه ثلاث مائة و بضعة عشر رجلا، فیبایعونه و یتیم بمکة حتی یتیم أصحابه عشرة آلاف نفس ثم یسیر منها إلى المدینة. ۱
آن گاه که خداوند به حضرت قائم علیه السلام اجازه‌ی خروج دهد....، خداوند جبرئیل علیه السلام را می‌فرستد که نزد او بیاید و او در حجر اسماعیل علیه السلام نزد آن حضرت بیاید و بگوید: «به چه چیز مردم را می‌خوانی؟» حضرت قائم علیه السلام دعوت خود را به او خبر دهد. جبرئیل علیه السلام گوید: «من نخستین کسی هستم که با تو بیعت می‌نمایم. دست خویش را [برای بیعت] باز کن.» پس دست به دست آن حضرت نهد و متجاوز از سیصد و ده مرد نزد او بیایند و با او بیعت کنند و او در مکه بماند تا یارانش به ده هزار نفر برسد، سپس از آنجا به مدینه رهسپار شود.

«امام مهدی علیه السلام بعد از بیعت با یارانش، پرچم قیام را بر افراشته و به سرعت بر مکه و اطراف آن مسلط می‌شود و سرزمین پیامبر صلی الله علیه و آله را از وجود نااهلان پاک می‌کند. آنگاه حضرت به سوی مدینه می‌رود تا سایه‌ی عدالت و مهر را بر آن‌ها بگستراند، سپس ایشان عازم عراق می‌شوند.» ۲

امام باقر علیه السلام فرمود:

«كَأَنِّي بِالْقَائِمِ علیه السلام عَلَى نَجْفِ الْكُوفَةِ قَدْ سَارَ إِلَيْهَا مِنْ مَكَّةَ فِي خَمْسَةِ الْأَيِّ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، جِبْرِئِيلُ عَنْ يَمِينِهِ، وَ مِيكَائِيلُ عَنْ شِمَالِهِ، وَ الْمُؤْمِنُونَ بَيْنَ يَدَيْهِ، وَ هُوَ يُفَرِّقُ الْجُنُودَ فِي الْبِلَادِ» ۳

۱. همان، ص ۵۲۴.

۲. جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، همان، ص ۲۷۰.

۳. محمد بن محمد مفید، همان، ج ۲، فصل ۲، ص ۵۱۹.

گویا قائم را می‌نگرم که از مکه به همراهی پنج هزار فرشته در حالی که جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ و مؤمنان پیش رویش هستند به نجف و کوفه آمده، لشگرها به شهرها می‌فرستد.

امام علیه السلام و سپاهیان‌ش هنگامی که وارد عراق می‌شوند، با دو مشکل روبرو می‌شوند که این دو مشکل عبارتند از:

۱. دسته‌ای از مردم به ظاهر دیندار، مقابل امام مهدی علیه السلام را می‌گیرند. وقتی نصایح و موعظه‌های امام در دل آن‌ها اثر نمی‌کند، کار به جنگ می‌کشد و همه‌ی آن‌ها به واسطه‌ی حضرت علیه السلام کشته می‌شوند.

۲. گروهی از لشگر سفیانی درصدد مبارزه با امام مهدی علیه السلام هستند، اما همان طور که در مبحث خروج سفیانی گفته شد، موعظه‌ی امام در دل‌های چون سنگ آن‌ها اثر نمی‌کند و در نهایت سفیانی و یارانش هلاک می‌شوند.

ورود امام مهدی علیه السلام به کوفه و تسلیم شدن سه پرچم برافراشته:

بنابر روایات، هم زمان با ورود امام مهدی علیه السلام و یارانش به کوفه، سه پرچم در این شهر در اهتزاز است که آن‌ها هر سه تسلیم امام مهدی علیه السلام می‌شوند و امر خلافت را به او می‌سپارند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«يَدْخُلُ الْكُوفَةَ وَبِهَا ثَلَاثُ رَايَاتٍ قَدْ اضْطَرَبَتْ فَتَصَفُّوْا لَهُ وَ يَدْخُلُ حَتَّى يَأْتِيَ الْمِنْبَرَ فَيَخْطُبُ فَلَا يَدْرِي النَّاسُ مَا يَقُولُ مِنَ الْبُكَاءِ فَاِذَا كَانَتِ الْجُمُعَةُ الثَّانِيَةَ سَأَلَهُ النَّاسُ اَنْ يَصْلِيَ بِهِمُ الْجُمُعَةَ فَيَأْمُرَانِ يَخْطُ لَهُ مَسْجِدَ عَلِيٍّ الْغُرِّيَّ، وَيَصْلِي بِهِمُ هُنَاكَ.»^۱

[مهدی علیه السلام] وارد کوفه شود و در آنجا سه پرچم در اهتزاز است و [با آمدن آن حضرت] پرچم‌ها از میان رود [تسلیم او می‌شوند] و حضرت در کوفه داخل شود تا به منبر بالا رود و خطبه‌ای خواند که مردم از شدت گریه نفهمند که آن جناب چه می‌گوید و چون جمعه دوم شود مردم از او درخواست می‌کنند که نماز جمعه برای ایشان بخواند. حضرت دستور می‌دهد در قسمتی از نجف به نام مسجد خط کشند و در آنجا با ایشان نماز جمعه بخواند. «جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت معتقدند که سه پرچم برافراشته شده در کوفه، پرچم‌های یمانی، خراسانی و سید حسنی است. این سه پرچم چون به حق برافراشته شده‌اند، وقتی امام مهدی علیه السلام ظهور می‌کند و به کوفه می‌آید، پرچم خلافت را به امام می‌سپارند و با آن حضرت بیعت می‌کنند.»^۱

امام باقر علیه السلام فرمود:

«تَنْزِلُ الرَّايَاتُ الشُّوْبُ الَّتِي تَخْرُجُ مِنْ خُرَّاسَانَ إِلَى الْكُوفَةِ فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ بُعِثَ إِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ»^۲

پرچم‌های سیاهی که از خراسان خارج می‌شوند، وارد کوفه شده و در آنجا منزل می‌کنند. زمانی که مهدی علیه السلام ظهور فرماید، پیغام می‌فرستد که با آن حضرت بیعت کنند.

در مورد قیام خراسانی گفته شده است:

«او شخصی از ذریه‌ی امام حسن مجتبی علیه السلام و یا امام حسین علیه السلام است و از او با عنوان هاشمی خراسانی یاد شده است. او یاور خراسانیان یا

۱. جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، همان، ص ۲۶۵.

۲. محمد بن حسن طوسی، همان، ص ۷۶۵.

رهبر اهالی خراسان و یا فرماندهی لشکر خراسان است. مجموعه‌ی
قراین موجود درباره‌ی شخصیت او دلالت دارد که وی هم زمان با
خروج سفیانی و یمانی ظاهر می‌شود و نیروهای خود را به سوی عراق
می‌فرستد.^۱

در مورد قیام یمانی همان طور که گفته شد او مردم را به حق و راستی
دعوت می‌کند و فردی هدایت‌گراست. در مورد قیام خراسانی نیز بحث شد اما
در مورد سید حسنی گفته شده است:

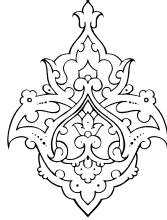
«سید حسنی از سمت مشرق خروج می‌کند. او جوانمرد و خوش رو
است و با سپاه خود به سوی کوفه نزد امام مهدی علیه السلام می‌آید و از او
می‌خواهد که نشانه‌های امامت خود را ظاهر کند. در این هنگام،
امام مهدی علیه السلام عصای حضرت موسی علیه السلام و انگشتر سلیمان علیه السلام و
مصحف امیرالمومنین علیه السلام را به او نشان می‌دهد. بعد از این، سید
حسنی و سپاهیان‌اش با امام مهدی علیه السلام بیعت می‌کنند.»^۲

۱. جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، همان، ص ۲۶۱.

۲. همان، ص ۲۶۶.

فصل چهارم

ویژگی‌ها و سیرۀ حکومت مهدوی



ویژگی‌های حکومت مهدوی

قلمرو حکومت مهدی:

امام مهدی علیه السلام موعود همه‌ی بشریت است و حکومت او تحقق بخش همه‌ی آرزوهای بشری است.

بنابراین آنچه از زیبایی‌ها و خوبی‌ها در سایه‌ی حکومت او به وجود می‌آید، سراسر زمین را فرا خواهد گرفت.

بنابر روایات، حکومت امام مهدی علیه السلام، حکومتی جهانی است و آن حضرت سراسر زمین را پراز عدل و داد خواهد کرد، همان‌که از ظلم و ستم پر شده است.

روایات مربوط به قلمرو حکومت امام مهدی علیه السلام به دو دسته تقسیم می‌شوند:

دسته اول: بنابر روایات بسیار، قلمرو حکومت امام عجل الله تعالی فرجه الشریف سراسر کره‌ی زمین است.

امام علی علیه السلام فرمود:

«الحادی عشر من ولدی، هو المهدی الذی یلاعدا وقسطا کما ملئت

ظلمًا وجوراً^۱

یازدهمین فرزند از فرزندان من مهدی است، کسی که زمین را از عدل و داد پر می‌کند همان گونه که از ظلم و ستم پر شده است.

کلمه‌ی «الأرض» در روایات مذکور، اشاره به سراسر کره‌ی خاکی دارد و هیچ دلیلی وجود ندارد که معنی کلمه‌ی الأرض را به بخشی از زمین محدود کنیم. بنابراین، این روایت اشاره دارد به اینکه آن حضرت تمام زمین را پر از عدل و داد می‌کند نه قسمتی از آن را.

در روایت دیگری پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«خداوند متعال فرموده است:

**«عزّی و جلالی لأظهرنّ بهم دینی و لأعلینّ بهم کلمتی و لأطهرنّ الارض
بآخرهم من اعدائی و لأملکنه مشارق الارض و مغاربها و لاسخرن له
الرياح و لاذللن له الرقاب الصحاب و لأرقينه فی الاسباب و لأنصرنه
بجندی و لأمدنه بملائکتی حتی يعلن دعوتی و یجمع الخلق علی توحیدی
ثم لأدین ملکه، و لاداولن الايام بین اولیائی الی یوم القيامة»^۲**

به عزت و جلالم سوگند که به واسطه‌ی ایشان دینم را چیره و کلمه‌ام را بلند می‌نمایم و توسط آخرین آنها زمین را از دشمنانم پاک می‌گردانم و مشرق و مغرب زمین را به تملیک او در می‌آورم و باد را مسخر او می‌کنم و گردن کشان سخت را رام او می‌سازم و او را بر نردبان ترقی بالا می‌برم و با لشکریان خود باریش می‌کنم و با فرشتگان به او مدد می‌رسانم تا آنکه دعوتم را آشکار کند و مردمان را بر توحیدم گرد آورد، سپس ملکش را تداوم بخشم و روزگار را در اختیار اولیای خود قرار دهم تا روز قیامت

۱. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۴۱۹.

۲. ابوجعفر محمد بن بابویه قمی (شیخ صدوق)، همان، ج ۱، باب ۲۳، ح ۴، ص ۴۷۷.

فرا رسد.

در روایت مذکور کلمه‌ی «مشارق و مغارب» اشاره به کل جهان دارد و بیانگر این است که امام مهدی علیه السلام به تمام جهان سیطره دارد نه بخشی از آن.

دسته‌ی دوم: روایات متعددی از تسلط امام مهدی علیه السلام بر مناطق مختلف جهان خبر داده است که پراکندگی و اهمیت آن مناطق، حاکی از سلطه‌ی آن حضرت بر تمامی جهان دارد. در این روایات، نام بردن از شهرها و کشورها از باب مثال بوده است و میزان درک مخاطبان روایت در آن زمان نیز ملاحظه شده است.

به طور مثال در روایتی از روم، چین، دیلم، ترک، سند، هند، قسطنطنیه، کابل شاه و خزر به عنوان مناطقی که امام مهدی علیه السلام بر آنها مسلط خواهد شد و آنها را فتح می‌کند، نام برده شده است.

امام باقر علیه السلام فرمود:

**«لوقد خرج قائم آل محمد علیه السلام يفتح الله له الروم والصين والترك و
الديلم والسند والهند وكابل شاه والخزر»^۱**

وقتی قائم آل محمد ظهور کند، خداوند دروازه‌های روم، چین، ترک، دیلم، سند، هند، کابل شاه خزر را برای او خواهد گشود.

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام در مورد قائم علیه السلام فرمود: «يُفتح قسطنطينية والصين و جبال الديلم»^۲ قسطنطنیه، چین و کوه‌های دیلم را فتح می‌نماید.

با توجه به اینکه حکومت امام عصر علیه السلام جهانی است، این سوال مطرح می‌شود که چگونه امام مهدی علیه السلام بر دولت‌ها پیروز می‌شود و این تعداد

۱. محمد باقر، مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۴۱۷.

۲. محمد صدر، همان، ص ۲۷۸.

جمعیت جهان تسلیم او می‌شوند؟

در پاسخ به این سوال باید گفت که پیروزی و غلبه امام مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت جهانی، ممکن است به صورت معجزه انجام شود و ممکن است با فراهم شدن اسباب و علل ظاهری باشد و ممکن است به هر دو نوع واقع شود. چنانکه پیشرفت و غلبه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و قوای اسلام به هر دو نوع بود. بر همین اساس مؤلفه‌ی و عوامل مختلفی در پیروزی سریع و قاطع آن حضرت نقش دارند که به شرح هریک می‌پردازیم.

عوامل موثر در پیروزی امام مهدی علیه السلام بر دولت‌ها:

ناگهانی بودن قیام:

امام مهدی علیه السلام زمانی که ظهور می‌کند دشمن در غفلت و بی‌خبری قرار دارد و با قیام ناگهانی ایشان، دشمن غافلگیر شده و حضرت، پیروزی‌های سریعی به دست خواهد آورد. چنانکه در توقیع شریف حضرت آمده است:

«فَلْيَعْمَلْ كُلُّ أَمْرٍ مِنْكُمْ مَا يُقَرِّبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَيَتَجَنَّبُ مَا يُدْنِيهِ مِنْ كِرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا، فَإِنْ أَمَرْنَا بَغْتَةً، فَجَاءَهُ حِينَ لَا يَنْفَعُهُ تَوْبَةٌ وَ لَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَذْمٌ عَلَى حَوِيَّةٍ»^۱

هر یک از شما [شیعیان] کاری کند که به دوستی و محبت ما نزدیک شود و از خشم و ناخشنودی ما دوری گزیند؛ زیرا امر [ظهور]، یکباره و ناگهانی رخ می‌دهد، در آن زمان دیگر نه توبه کسی سود می‌بخشد و نه پشیمانی از گناه، از مجازات نجاتش می‌دهد.

۱. احمد بن علی بن ابیطالب الطبرسی، الإحتجاج علی أهل اللجاج، ج ۲، ص ۳۲۶.

اصلاح سریع کارها با امدادهای غیبی:

بنابر روایات، خداوند حجت خود را در قیامت بزرگ و شکوهمندش یاری می‌کند و با انواع امدادهای غیبی، پیروزی او را آسان و کارهایش را سریع اصلاح می‌کند.

پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «المهدی منا اهل البيت، یصلح الله عزوجل أمره فی لیلة واحدة»^۱

مهدی از ما اهل بیت است. خداوند امر او را در یک شب اصلاح می‌کند.

از جمله امدادهای غیبی خداوند می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

ایجاد ترس در دل دشمنان:

خداوند متعال امام مهدی علیه السلام را با ایجاد ترس در دل دشمنانش یاری می‌کند، یعنی چنان ترس او را در دل دشمنان می‌اندازد که قدرت هر عکس العمل شدید را از آنها سلب می‌کند. همان طور که امام صادق علیه السلام فرمود:

«یویده الله بثلاثه اجناد: الملائكة والمومنین والرعب»^۲

خداوند او [مهدی] را به سه لشکر تأیید می‌کند: ملائکه، مومنین و رعب.

کمک به حضرت توسط فرشتگان:

از جمله امدادهای غیبی خداوند، کمک فرستادن ملائک برای یاری امام مهدی علیه السلام و جهاد آنان همراه با حضرت است.

۱. شیخ صدوق، همان، ج ۱، ص ۱۵۲، ح ۱۵.

۲. محمد بن ابراهیم بن جعفر الکاتب النعمانی، همان، ص ۱۹۸.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«لَوْ قَدْ خَرَجَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ، لَنَصَرَهُ اللَّهُ بِالمَلَائِكَةِ الْمُسَوِّمِينَ وَالمُزْدَفِينَ
وَالْمُنْزَلِينَ وَالمُكْرَوِبِينَ. يَكُونُ جِبْرَائِيلُ أَمَامَهُ وَمِيكَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ، وَ
إِسْرَافِيلُ عَنْ يَسَارِهِ وَالرَّعْبُ مَسِيرُهُ أَمَامَهُ وَخَلْفُهُ عَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ شِمَالِهِ
وَالْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ خِدَاهُ»^۱

قائم آل محمد که ظهور نماید، خداوند او را با فرشتگان نشان دار،
پی درپی، فرود آمده و کروبین یاری می فرماید. جبرئیل پیشاپیش قائم و
میکائیل سمت راست و اسرافیل در سمت چپ او خواهد بود. ترس از
قائم، در پیشاپیش و پشت و راست و چپش می رود و فرشتگان مقرب
هم در پیش او می روند.

کمک به حضرت با نیروهای طبیعی:

بنابر روایات، برای یاری قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف حتی زمین نیز مهیا می شود. براین اساس
ممکن است خداوند به وسیله ی نیروهایی چون باد، حضرت را یاری کند
چنانکه همه ی نیروهای طبیعت (باد و صاعقه) مسخر حضرت سلیمان علیه السلام
بودند. امام باقر علیه السلام فرمود:

«أَلْقَانُمُ مِنَّا مَنْصُورًا بِالرَّعْبِ، مُؤَيَّدًا بِالنَّصْرِ، تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَتَظْهَرُ لَهُ
الْكُنُوزُ»^۲

قائم ما یاری شده به ترس و موید به نصر است، زمین برای او در نور دیده
شده و گنج های خود را ظاهر می سازد.

در روایتی دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

۱. محمد صدر، همان، ص ۳۲۹.

۲. شیخ صدوق، همان، ج ۱، ص ۶۰۳.

خداوند متعال فرموده است:

«وَعَزَّيْ جَلَالِي لَأُسَخِّرَنَّ لَهُ الرِّيحَ وَلَأَذِلَّنَّ لَهُ الرِّقَابَ...»^۱

به عزت و جلالم سوگند که باد را مسخر او [مهدی] می‌کنم و گردن‌کشان سخت را رام او می‌سازم.

توانمندی و فرماندهی بی نظیر امام مهدی (عج):

از مهم‌ترین عوامل موثر در پیروزی امام مهدی (عج)، صلابت، شجاعت و رهبری بی نظیر آن حضرت در جهاد با دشمنان دین حق است. آن حضرت در این مصاف سرنوشت ساز، هم از توانمندی و نیروی جسمی و شخصی برخوردار است و هم در مدیریت و فرماندهی نظامی، مقتدرانه و قاطعانه برخورد می‌کند.

امام رضا (عج) در مورد امام مهدی (عج) فرمود:

«إِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِي إِذَا خَرَجَ كَانَ فِي سِنِّ الشُّيُوخِ وَ مَنْظَرِ الشُّبَّابِ قَوِيًّا فِي يَدَيْهِ حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَكْثَرِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا وَ لَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَذَكَّدَكَ صُخُورُهَا، يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَى وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ»^۲

قائم کسی است که وقتی ظهور می‌کند، در سن پیران است ولی به نظر جوان می‌آید. اندامی قوی و تنومند دارد، به طوری که اگر دست را به سوی بزرگ‌ترین درخت دراز کند، آن را از ریشه بیرون می‌آورد و اگر میان کوه‌ها فریاد برآورد، صخره را می‌شکند و از جا کنده می‌شود. عصای موسی و انگشتر سلیمان همراه اوست.

۱. همان، باب ۲۳، ح ۴، ص ۴۷۷.

۲. همان، ج ۲، باب ۳۵، ص ۴۸.

یاری مومنان و صالحان:

بسیاری از مسلمانان از پیشتازان و پیشگامان ملت‌هایی هستند که به اطراف امام مهدی علیه السلام حلقه می‌زنند و زیر پرچم او قرار گرفته، به یاری او می‌شتابند، مهم‌ترین یاران حضرت، ۳۱۳ تن از یاران خاص او هستند و در کنار آنها ده هزار نیروی زبده‌ی رزمی است که امام را تا پیروزی نهایی یاری می‌کنند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«انه يخرج مثل عدة اهل بدر ثلاث مائة وثلاثة عشر رجلا وما يخرج الا

في اولى قوة وما يكون اولوا قوة اقل من عشرة آلاف»^۱

همانا او [مهدی] خروج می‌کند [با یارانی] به تعدادی جنگجویان بدر یعنی سیصد و سیزده نفر و او جز با گروه نیرومدان (اولوالقوة) قیام نخواهد کرد و آنها کمتر از ده هزار نفر نیستند.

تسلیم شدن مسیحیان:

بر اساس روایات فراوان، حضرت عیسی علیه السلام به هنگام قیام امام مهدی علیه السلام از آسمان فرود می‌آید و به آن حضرت اقتدا می‌کند و به امامت او نماز می‌خواند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«الْقَائِمُ مَنَا مَنصُورٌ بِالرَّعْبِ، وَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِيسَى بْنِ مَرْيَمَ، فَيُصَلِّي

خَلْفَهُ»^۲

قائم ما اهل بیت با هراس افتادن در دل دشمنان یاری می‌شود و عیسی روح الله فرود می‌آید و پشت سر او نماز می‌گزارد.

۱. محمد صدر، همان، ص ۲۳۰.

۲. همان، ص ۵۱۳.

جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت معتقدند که:

«نماز خواندن حضرت عسی علیه السلام پشت سر امام مهدی علیه السلام که آخرین حجت خدا میان مسلمانان و جانشین بر حق پیامبر خاتم است، برای اثبات این حقیقت بزرگ است که دین اسلام آخرین دین الهی و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، آخرین پیامبر از سلسله‌ی انبیاء الهی است. نماز خواندن حضرت عیسی، در جایگاه پیشوای گسترده‌ترین دین جهان که بیشترین پیروان را به خود اختصاص داده است، راه را برای حق جوین عالم باز خواهد کرد و این بزرگ‌ترین نقشی است که یک پیامبر بزرگ برای هدایت نسل‌ها بر عهده دارد و به خوبی آن را به انجام می‌رساند.»^۱

بنابراین، نماز حضرت عیسی علیه السلام پشت سر امام مهدی علیه السلام یک نماز عبادی و سیاسی است تا حاکمیت امام مهدی علیه السلام را به همه‌ی جهانیان اعلام کند و زمینه را برای تسلیم پیروانش فراهم کند. از طرفی دیگر در حال حاضر زمامداران و ملت‌های اروپا و آمریکا و بخشی از قاره آفریقا مسیحی‌اند و تسلیم شدن آنها نقش مهمی در پیروزی حضرت و برداشته شدن موانع دارد.

استقبال همگانی و مردمی:

ظهور امام مهدی علیه السلام زمانی اتفاق می‌افتد که مردم در مشکلات و سختی‌های فراوان هستند و با یاس از مکاتب بشری و حکومت‌های خود، در انتظار قیام منجی به سر می‌برند. به همین دلیل در برابر امام مهدی علیه السلام سر تسلیم و خضوع فرود می‌آورند و زمام امور خویش را به آن امید که نجات بشریت را تضمین نماید، به دست توانمند و کارگشای او می‌سپارند، آن حضرت نیز ریشه ظلم و نابرابری و فساد را بر خواهد کند.

۱. جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، همان، ص ۳۲۰.

بنابراین، بر اساس روایات و ادله مذکور، حکومت امام مهدی علیه السلام جهانی خواهد بود و قلمرو حکومت آن حضرت سراسر جهان خواهد بود.

مرکز حکومت مهدوی:

بنابر روایات، مرکز حکومت امام مهدی علیه السلام، شهر تاریخی کوفه و محل صدور احکام، مسجد جامع آن شهر و محل نگهداری بیت المال و تقسیم غنائم، مسجد سهله است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«دَارُ مُلْكِهِ الْكُوفَةُ وَمَجْلِسُ حُكْمِهِ جَامِعُهَا وَيَبِيتُ مَالِهِ وَمُقَسَّمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِينَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ وَ مَوْضِعُ خُلُوتِهِ الذِّكَاوَاتُ الْبَيْضُ بَيْنَ الْغَرِيِّينَ»^۱

مرکز دولت او کوفه است و محل صدور احکام و فتوای او در مسجد جامع آن و محل نگهداری بیت المال و تقسیم غنائم، مسجد سهله است و محل خلوت کردن و اعتکاف او تپه‌های سفید نجف.

همان طور که می‌دانیم، شهر کوفه از زمان‌های قبل مورد توجه خاندان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و محل زمامداری حضرت علی علیه السلام بوده است و مسجد کوفه و سهله دو تا از چهار مسجد معروف جهان اسلام است، به طوری که حضرت علی علیه السلام در مسجد کوفه نماز و خطبه می‌خواند و به امر قضاوت می‌پرداخت و در نهایت در محراب آن مسجد به شهادت رسید.

۱. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۵۳، ص ۱۱.

مدت حکومت مهدوی:

بعد از اینکه جهان یک دوره بسیار طولانی از حاکمیت ظلم و ستم را پشت سرگذاشت، جهان با ظهور آخرین حجت خدا به سوی خوبی‌ها می‌رود.

روایاتی که مدت حکومت امام مهدی علیه السلام را بیان می‌کنند، بسیار متعدد هستند. در روایتی از امام صادق علیه السلام درباره مدت حکومت امام مهدی علیه السلام سوال می‌کنند و امام علیه السلام این گونه فرمود:

«يَمْلِكُ الْقَائِمُ سَبْعَ سِنِينَ تَكُونُ سَبْعِينَ سَنَةً مِنْ سِتِّكُمْ هَذِهِ»^۱

قائم علیه السلام هفت سال حکومت می‌کند که برابر هفتاد سال از سال‌های روزگار شماس است.

«بعضی از روایات مدت حکومت حضرت را ۵ سال و تعدادی از آنها ۷ سال و برخی دیگر ۸ و ۹ و ۱۰ سال بیان کرده‌اند. چند روایت دیگر هم مدت حکومت را ۱۹ سال و چند ماه و بالاخره ۴۰ سال و ۳۰۹ سال بر شمرده‌اند.»^۲

«در جمع این روایات، برخی هفت سال را پذیرفته‌اند، زیرا مشهورتر است. احتمال دیگر برای این دسته از روایات این است که این عددها، مربوط به مراحل مختلف حکومت است، مرحله‌ی ظهور، مرحله‌ی تثبیت و مرحله‌ی بلوغ و کمال.»^۳

علامه‌ی مجلسی رحمته الله علیه در توجیه روایات متعدد در مورد مدت حکومت امام مهدی علیه السلام فرموده است:

۱. همان، ج ۵۲، ص ۴۳۹.

۲. نجم الدین طبسی، چشم اندازی به حکومت مهدی علیه السلام، ص ۱۷۳-۱۷۵.

۳. محمد بن حسن طوسی، همان، فصل ۸، ح ۴۹۷، ص ۴۷۴.

«برخی روایات به تمام مدت حکومت اشاره دارد و برخی بر مدت ثبات و استقرار حکومت و بعضی از روایات مطابق سال‌ها و روزهایی است که ما با آن آشنا هستیم و بعضی از آنها مطابق سال‌ها و ماه‌های روزگار حضرت است که طولانی بوده و خداوند به حقیقت مطلب آگاه‌تر است.^۱

بنابراین در هر صورت مدت حکومت امام عصر عجل الله تعالی باید به اندازه‌ای باشد که امکان تحول جهانی و استقرار عدالت در همه‌ی مناطق عالم وجود داشته باشد. البته با توجه به قابلیت‌های آن رهبر الهی و امداد غیبی برای آن حضرت و اصحاب و یاران شایسته‌ای که در اختیار اوست و آمادگی جهان برای پذیرش حاکمیت ارزش‌ها و زیبایی‌ها در زمان ظهور، ممکن است که رسالت حضرت در زمان نسبتاً کوتاهی انجام شود.

در مجموع منظور از سال، همان دوره است و منظور از ۳۰۹ سال همان ۳۰۹ روز است.

مقبولیت حکومت مهدوی:

یکی از دغدغه‌های هر حکومتی این است که رضایت عموم را به خود جلب کند. حکومت‌های قبل از ظهور امام مهدی عجل الله تعالی به دلیل نداشتن حاکمی معصوم و عادل و شایسته و ضعف مدیریتی، تا کنون نتوانسته‌اند رضایت عموم مردم را به دست بیاورند. اما حکومت امام عصر عجل الله تعالی، برخلاف حکومت‌های قبل از او مورد قبول همه‌ی افراد خواهد بود.

بنابر روایات، نه تنها اهل زمین بلکه اهل آسمان‌ها هم نسبت به آن

۱. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۲۸۰.

حکومت الهی و فرمانروای عدل گستر، رضایت کامل خواهند داشت. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«أبشركم بالمهدی... یرضی عنه ساکن السماء وساکن الأرض»^۱

شما را به مهدی بشارت می‌دهم... ساکنان آسمان‌ها و زمین از او خشنودند.

در مورد ساکنان آسمان دو احتمال بیان شده است:

«پژندگان و فرشتگان که بر اساس ظواهر ادله‌ی موجود در اسلام و حتی ادیان بزرگ دیگر، در آسمان‌ها به سر می‌برند. آنها در روز اجرای عدالت کامل، شادمان می‌شوند و از رهبر بزرگ آن روز، خشنودند و حمایت آنها از دولت کریمه و اقدام آنها جهت پیروزی دولت بی تردید موجب کمال یافتگی بیشتر آنها خواهد شد.»^۲

همان طور که گفته شد، حضرت عیسی علیه السلام نیز نقش موثری در پذیرش حاکمیت امام مهدی علیه السلام از سوی مسیحیان دارد. بنابراین، حکومت امام مهدی علیه السلام مورد توجه و مقبولیت همگان است.

۱. همان، ج ۵۱، ص ۸۱.

۲. محمد صدر، همان، ص ۳۶۹.

سیره‌ی حکومتی امام مهدی علیه السلام

سیره‌ی شخصی:

امام مهدی علیه السلام حاکم جامعه‌ی اسلامی است. حکومت از دیدگاه ایشان وسیله‌ای برای تسلط بر مردم مستضعف و ظلم به آنها نیست. بلکه، حکومت ابزاری برای خدمت به مردم و رساندنشان به قرب و کمال الهی است. کرسی خلافت آن موعود دل‌ها یادآور حکومت پیامبر صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام است. با وجود اینکه اموال و ثروت‌های زیادی در اختیار امام است، اما آن حضرت در زندگی شخصی خود، در پائین‌ترین سطح جامعه به سر می‌برد و به کمترین‌ها قناعت می‌کند. آن حضرت در زندگی دنیا، خوراک و پوشاک، زهدی پیامبرگونه دارد و در سیره و روش خود به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و حضرت علی علیه السلام اقتدا می‌کند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«فوالله ما لباسه الا الغلیظ ولا طعامه الا الخشب»^۱

به خدا سوگند! لباس او [مهدی] جز پارچه‌ای زبر و خشن و غذای او جز غذای ساده نیست.

با توجه به روایت مذکور، این سوال مطرح می‌شود که چرا امام مهدی علیه السلام با وجود ثروت فروان در روی زمین، زندگی ساده را برمی‌گزیند؟

در پاسخ به این سوال گفته شده است:

«حاکم اسلامی همواره باید چنین رفتاری داشته باشد؛ زیرا خداوند از هر امام عادل‌تری که به حکومت می‌رسد، پیمان گرفته است تا هم سطح

۱. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۲، ص ۳۵۴.

تهیدستان کشورش لباس برتن کند و غذا تناول کند.

حکمت این رفتار آن است که قدرت و ثروت فروان، فقیران و تهیدستان را از یاد آنها نبرد. همان طور که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از فتح مکه و برعهده گرفتن ریاست دولت اسلامی این شیوه را بر خود واجب فرموده و خلفای نخستین تا امام علی علیه السلام نیز چنین کردند. امام مهدی علیه السلام نیز که برمسند حکومت عدل تکیه زند، همین روش را در پیش خواهد گرفت؛ زیرا برایشان نیز واجب است که زندگی‌اش هم سطح گرسنه‌ترین و تهیدست‌ترین مردم جهان باشد.^۱

براساس اصول کلی اسلامی، حاکم دولت اسلامی باید در زندگی شخصی خود مانند ضعیف‌ترین افراد جامعه زندگی نماید، اما طبق روایاتی، در دولت جهانی امام مهدی علیه السلام سطح رفاه مردم و میزان ثروت آنها بالا می‌رود و همگان در آن دوره از رفاه برخوردار خواهند شد، در نتیجه آن وجوب ذکر شده تغییر خواهد کرد. پس دلیلی وجود ندارد که امام مهدی علیه السلام زندگی ساده‌ای را برگزیند، پس چرا در روایت مذکور با وجود ثروت فراوان، حضرت زندگی ساده را انتخاب می‌کند؟

در پاسخ به سوال مذکور گفته شده است:

«بر اساس این روایت، چنین نیست که روش زندگی امام مهدی علیه السلام در تمام دوران حاکمیتش به طور ساده باشد. بلکه برای صدق آن کافی است که در دوران آغازین حکومت، چنین اتفاقی بیفتد، زیرا عدالت، رفاه و خوشبختی به تدریج در بین مردم توسعه می‌یابد و تا وقتی دامنه‌اش فراگیر نشده باشد، به طور طبیعی گروه‌هایی تهیدست نیز وجود خواهند داشت و تا یک نفر از آنها باقی است، شیوه‌ای که در روایت به آن اشاره شده هم چنان بر امام علیه السلام خواهد بود. در پاسخ به



سوال مذکور می‌توان چنین نیز گفت که به نظر می‌رسد مدت زمان تدریجی برای بسط عدالت و تحقق رفاه در همه‌ی جهان، دست کم همه‌ی عمر شریف امام را در بر می‌گیرد. از طرفی دیگر درست است که بیشتر مناطق جهان در دوره‌ی زندگی امام مهدی علیه السلام به رفاه می‌رسند ولی این احتمال نیز وجود دارد که در یکی از مناطق دوردست، فرد گرفتاری وجود داشته باشد. به همین دلیل باید آن حضرت در طول زندگی، همان رفتار را پیشه‌ی خود سازد.^۱

در روایاتی دیگر، امام مهدی علیه السلام همدمی مهربان و پدري خيرخواه و برادري تنی که پشتیبان برادر است و مادری دلسوز نسبت به فرزند خردسال و پناه بندگان در مصیبت‌های بزرگ است.

امام رضا علیه السلام فرمود:

«الامام الانیس الرفیق والوالد الشفیق والاخ الشفیق والامُّ البرة بالولد الصغیر، ومفزعُ العباد فی الداهية [النادر].»^۲

امام، همدل و همراه پر مهر است و پدري است خيرخواه و با عاطفه‌ی برادري که از یک پدر و مادر باشد و چون مادری است نیکوکار نسبت به فرزند خردسال خویش و پناهگاه بندگان در مصیبت‌های بزرگ.

امام حسین علیه السلام در مورد امام مهدی علیه السلام فرمود:

«تَعْرِفُونُ الْمُهْدِيَّ بِالسَّكِينَةِ وَالْوَقَارِ وَبِمَعْرِفَةِ الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ وَبِحَاجَةِ النَّاسِ إِلَيْهِ وَلَا يَحْتَاجُ إِلَى أَحَدٍ.»^۳

۱. همان، ص ۴۷۲.

۲. محمد بن جعفر الکاتب النعمانی، همان، باب ۱۳، ص ۳۱۳.

۳. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۲۵، ص ۱۵۶.

مهدی علیه السلام را با آرامش و وقار و شناخت حلال و حرام و نیاز همگان به او و بی نیازی او از دیگران خواهد شناخت.

بنابراین اگر بخواهیم سیره شخصی امام مهدی علیه السلام را در یک جمله خلاصه کنیم، به حدیثی از امام صادق علیه السلام اشاره می‌کنیم که فرمود:

«ان قائما اذا قام لبس لباس علی علیه السلام و سار بسیرته»^۱

وقتی قائم ما قیام کند، لباس علی را در بر می‌کند و روش او را پیش می‌گیرد.

به درستی که امام مهدی علیه السلام، مصداق کامل رهبری است که از بین مردم برگزیده شده است و در بین آنها و مانند آنها زندگی می‌کند به همین دلیل دردهای مردم را خوب می‌شناسد و درمان آن را می‌داند و تمام همت خود را برای بهبودی حال آنها به کار می‌گیرد و در این مسیر تنها به رضایت الهی می‌اندیشد.

سیره‌ی اجتماعی:

سیره‌ی اجتماعی امام مهدی علیه السلام بر اساس تعالیم قرآن و عترت است. در حکومت امام مهدی علیه السلام به سبب اجرای برنامه‌های اجتماعی، محیط زندگی، زمینه‌ای برای رشد و تعالی افراد خواهد بود. از برنامه‌های اجتماعی امام مهدی علیه السلام، اجرا و احیای فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر است که امام عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت گسترده برنامه‌های خود را در این زمینه به اجرا می‌گذارد. قرآن کریم می‌فرماید:

«وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ

۱. محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۴۸.

فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^۱

و قطعاً خدا به کسی که [دین] او را یاری می‌کند، یاری می‌دهد؛ چرا که خدا سخت نیرومند شکست ناپذیر است. همان کسانی که چون در زمین به آنان توانایی دهیم، نماز برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به کارهای پسندیده و می‌دارند و از کارهای ناپسند باز می‌دارند و فرجام همه‌ی کارها از آن خداست.

«در مورد این آیه‌ی شریفه گفته شده است که از روشن‌ترین مصادیق مؤمنانی که در این آیه آمده است، امام مهدی علیه السلام و یاران آن حضرت است. حتی این احتمال نیز می‌رود که مقصود اصلی آیه، خود آنها باشند.»^۲

امام مهدی علیه السلام به عنوان رئیس حکومت جهانی، از بین شایسته‌ترین افراد، حاکمانی را انتخاب می‌کند و چون امام تصمیم دارد امر به معروف و نهی از منکر کند و آن را در جامعه عدل گسترش احیاء کند، قطعاً یکی از برنامه‌های اجتماعی که به حاکمان و کارگزارانش می‌دهد اجرای امر به معروف و نهی از منکر است. البته امام مهدی علیه السلام با نظارت دقیقی که بر اجرای این امر دارند، این فریضه‌ی الهی به طور گسترده در تمام جهان به اجرا گذاشته می‌شود.

امام مهدی علیه السلام در ضمن برنامه‌های اجتماعی خود با فساد و رذائل اخلاقی و تباهی و زشتی مبارزه می‌کند و ریشه‌های دروغ، نفاق، تیرگی و جهالت را از بین می‌برد. چنانکه در دعای ندبه می‌خوانیم:

۱. سوره‌ی حج (۲۳)، آیه ۴۰-۴۱.

۲. محمد صدر، همان، ص ۴۸۳.

«أین قاطع حبائل الکذب و الإفتراء، أین طامس آثار الزیغ و الأهواء...»^۱

کجاست آن که ریسمان دروغ و افترا را ریشه کن خواهد کرد؟ کجاست آنکه آثار گمراهی و هوی و هوس را نابود خواهد ساخت؟

سیره‌ی فرهنگی:

بنابر روایات، سیره‌ی امام مهدی علیه السلام در مبحث فرهنگی همان سیره و روش پیامبر بزرگ اسلام است. همان‌طور که پیامبر صلی الله علیه و آله در زمان بعثت خود با جاهلیت بشری در همه‌ی ابعاد آن مبارزه کرد و اسلام ناب را که ضامن سعادت دنیا و آخرت است، بر محیط خود حاکم کرد، حضرت مهدی علیه السلام نیز با ظهور خود جاهلیت مدرن را که بدتر از جاهلیت قدیم است، از بین خواهد برد و ارزش‌های اسلامی و الهی را برویرانه‌های جاهلیت جدید بنا خواهد کرد. امام صادق علیه السلام فرمود:

«یصنع کما صنع رسول الله صلی الله علیه و آله، یتهدم ما کان قبلاً کما هدم رسول الله صلی الله علیه و آله أمر الجاهلیة ویستأنف الإسلام جدیداً»^۲

[مهدی علیه السلام] مانند پیامبر اسلام عمل خواهد کرد و همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله آنچه از روش جاهلیت در بین مردم مرسوم بود، از میان برد. همین گونه روش‌های جاهلی پیش از ظهور خود را نابود خواهد ساخت و اسلام را از نو پیریزی خواهد کرد.

بنابر روایات، سیره‌ی فرهنگی امام مهدی علیه السلام در حول دو محور اصلی و مهم شکل می‌گیرد که عبارتند از:

۱. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، ترجمه‌ی الهی قمشه‌ای، دعای ندبه، ص ۱۰۴۱.

۲. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۴۲۰.

احیای کتاب و سنت الهی:

همان طور که می‌دانیم قرآن در تمام اعصار، غریب و تنها مانده است و در حاشیه زندگی به فراموشی سپرده شده است. در هصر حکومت امام مهدی علیه السلام قرآن به تمامی عرصه‌ی زندگی بشروارد می‌شود و سنت که همان قول و فعل امام معصوم علیه السلام است، در همه جا به عنوان بهترین الگوی حیات انسانی مطرح می‌شود. امام علی علیه السلام در بیانی رسا، حکومت قرآنی امام مهدی علیه السلام را چنین توصیف کرده است:

«يَغْطِفُ الْهُوَى عَلَى الْهُدَى إِذَا عَظَفُوا الْقُرْآنَ عَلَى الرَّأْيِ ... فِيرِيكُمْ كَيْفَ عَدَلَ السَّيْرَةِ وَيَحْيِي مِيتَ الْكِتَابِ وَالسَّنَةِ»^۱

او [مهدی علیه السلام] خواسته‌ها را تابع هدایت وحی می‌کند، هنگامی که مردم، هدایت را تابع هوس‌های خویش قرار می‌دهند، در حالی که به نام تفسیر، نظریه‌های گوناگون خود را بر قرآن تحمیل می‌کنند، او نظریه‌ها و اندیشه‌ها را تابع قرآن می‌سازد ... او روش عادلانه در حکومت حق را به شما می‌نماید و کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله را که تا آن روز متروک ماندند، زنده می‌کند.

برای ترویج فرهنگ قرآنی و حاکمیت قرآن و احکام آن، راه‌های مختلفی وجود دارد. در حکومت امام مهدی علیه السلام، فراگیری قرآن به صورتی که نازل شده است به عنوان مقدمه‌ای در جهت ترویج فرهنگ قرآنی است. امام علی علیه السلام در بیانی دیگر، دوران ظهور قرآن و حضور آن را در زندگی بشر چنین بشارت داده است:

۱. نهج البلاغه، ترجمه‌ی محمد دشتی، خ ۱۳۸، ص ۲۵۷.

«كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَقَدْ صَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ
النَّاسَ الْقُرْآنَ كَمَا أُتِرِلَ»^۱

گویی هم اکنون شیعیان خود را می‌بینم که در مسجد کوفه، خیمه‌ها
زده‌اند و قرآن را بدان گونه که نازل شده است به مردم می‌آموزند.

در روایت مذکور به نکته دقیقی اشاره شده است و آن نکته این است که
در زمان ما قرآن به آن شیوه‌ای که نازل شده است، قرائت نمی‌شود؛ علت این
مسئله به چگونگی جمع آوری قرآن و حرکت گذاری آن برمی‌گردد. اما در عصر
حکومت امام مهدی علیه السلام، قرآن، بزرگ‌ترین برنامه زندگی بشر، به همان صورتی
که نازل شده است، خوانده و تفسیر می‌شود.

در روایتی امام باقر علیه السلام فرمود:

«يَقُومُ الْقَائِمُ بِأَمْرِ جَدِيدٍ وَكِتَابٍ جَدِيدٍ وَقَضَاءٍ جَدِيدٍ»^۲

بنابر روایت مذکور، یک سوال مطرح می‌شود: ۱. آیا حضرت مهدی علیه السلام در
هنگام ظهور و در دوران حکومتش احکام جدید می‌آورد؟

همان طور که می‌دانیم، بنابر آیه‌ی «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتِمَمْتُ
عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»^۳ دین کامل و جامع اسلام به صورت
تمام و کمال بروجود مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نازل شد و آنچه که مردم به آن نیاز
داشتند، در اختیار پیامبر صلی الله علیه و آله قرار گرفت. البته توجه به این نکته الزامی است
که اکمال دین، اتمام نعمت و رضایت الهی از دین اسلام برای مردم هنگامی
حاصل می‌شود که ولایت و امامان معصوم را در جایگاه مفسر و معلم دین در

۱. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۴۲۶.

۲. همان، ص ۴۲۱.

۳. مائده (۵)، آیه‌ی ۳.

متن آن بپذیرند. بنابراین، در جواب سوال مذکور نظرهای متفاوتی داده شده است که به شرح هریک می‌پردازیم.

جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت در مورد احکام جدید گفته‌اند که:



«الف: برخی احکام، در شرایطی خاص و اضطراری و به علت تقیه بیان شده است. در عصر حکومت امام مهدی علیه السلام به علت عدم تقیه، حکم واقعی بیان می‌شود.

ب: با گذشت زمان، به علت سیطره‌ی زور مداران و تحریف گران، ممکن است تغییراتی در برخی احکام پدید آمده باشد، چنین مواردی در زمان حکومت امام مهدی علیه السلام تصحیح می‌شود.

ج: چون فقها در استنباط احکام و فهم آنها از یک سلسله قواعد و اصول بهره می‌برند، ممکن است برداشت مجتهدی مطابق با واقع نباشد، اگرچه آن مجتهد معذور بوده و فتوای آن لازم الاجرا است و ما مکلف به انجام آن هستیم و به این نوع از احکام، حکم ظاهری می‌گویند. بنابراین در عصر حکومت امام مهدی علیه السلام، حکم واقعی که مطابق با واقع است بیان می‌شود و حکم ظاهری برداشته می‌شود.»^۱

بنابر سه دلیل مذکور، احکامی که در عصر امام مهدی علیه السلام بیان می‌شود، در ظاهر، احکام جدیدی هستند اما همان طور که گفته شد، احکام واقعی هستند و جدید نیستند.

شهید صدر در مورد احکام جدید گفته است:

«دسته‌ای از احکام وجود دارد که هرگز برای مردم بیان نشده است و جز خداوند، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پیشوایان معصوم کسی از آن‌ها آگاهی

ندارد. این احکام در زمان ظهور و اجرای عدالت کامل، اعلان خواهد شد.^۱

مبارزه با بدعت‌ها:

«بدعت به معنای داخل کردن اندیشه و آرای شخصی در دین و دینداری است. بنابراین هر آنچه که از تمایلات شخصی و هواهای نفسانی وارد دین شده است، بدعت می‌نامند.»^۲

همان طور که می‌دانیم بدعت گزاران، کسانی هستند که با دستور خدا و رسول ﷺ و اهل بیتش  مخالفت کرده و چهره دین را واژگون جلوه می‌دهند و از این طریق درهای جهل و گمراهی را به روی مردم باز می‌کنند. ائمه  و علمای دینی در عصر غیبت سعی کرده‌اند تا راه ورود بدعت‌ها و سنت‌های غلط به دین را بگیرند. اما باز هم، وجود بدعت‌ها، مانع از درخشش دین در عرصه‌ی زندگی مردم می‌شود. امام مهدی  بنابر روایات، ریشه بدعت‌ها را می‌سوزاند و آن‌ها را از بین می‌برد و سنت نبوی را برپا می‌کند.

امام باقر  فرمود:

«وَلَا يَتْرُكُ بَدْعَةً إِلَّا أَرَاهَا وَلَا سُنَّةً إِلَّا أَقَامَهَا»^۳

[مهدی ] هیچ بدعتی را وانگذازد مگر اینکه آن را از ریشه برکند و از هیچ سنتی نمی‌گذرد مگر اینکه آن را برپا خواهد کرد.

۱. محمد صدر، همان، ص ۳۸۴.

۲. جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، همان، ص ۲۹۸.

۳. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۵۸، ح ۱۱، ص ۱۱.

سیره‌ی قضایی:

امام مهدی علیه السلام برای استقرار عدالت در تمام زمین، نیاز به یک سیستم مستحکم دارد. آن حضرت همچون امام علی علیه السلام با جدّیت و قدرت به دنبال به دست آوردن حقوق پایمال شده‌ی مردم خواهد بود و حق را در هرکجا باشد، می‌گیرد و آن را به صاحبش برمی‌گرداند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«اذا قام القائم حكم بالعدل و ارتفع في ايامه الجور و ردّ كل حق إلى أهله»^۱

هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام کند به عدل حکم می‌کند و در ایام [حکومت] او ظلم و جور برداشته می‌شود و هرحق را به اهلش برمی‌گرداند.

بنابر روایات، امام مهدی علیه السلام در مقام قضاوت، همچون حضرت سلیمان علیه السلام و حضرت داوود علیه السلام عمل می‌کند و مانند آن‌ها با علم الهی که دارد، حکم می‌کند و از شاهد و گواه استفاده نمی‌کند.

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری فرمود:

«اذا قام قائم آل محمد صلی الله علیه و آله حكم بحكم داوود و سليمان ولا يسأل الناس بَيِّنَةً»^۲

هنگامی که قائم آل محمد صلی الله علیه و آله قیام کند مانند داوود و سلیمان داوری می‌کند و از مردم شاهد و گواه طلب نمی‌کند.

۱. همان، ج ۵۲، ص ۴۱۲.

۲. همان، ص ۴۲۹.

در مورد دلایل پیروی امام مهدی علیه السلام از قضاوت سلیمان نبی و حضرت داوود علیه السلام، شهید صدر فرموده است:

۱. قضاوت سلیمان علیه السلام و حضرت داوود علیه السلام مطابق با قوانین اسلامی است، پس داوری حضرت مهدی علیه السلام نیز مطابق با قوانین اسلامی است.
۲. آزمایش و امتحان امت، دلیلی کلی برای پیروی امام مهدی علیه السلام از روش‌های قضایی پیامبران گذشته است. گمان می‌رود امام مهدی علیه السلام وقتی در دعوی به روش داوود نبی علیه السلام داوری می‌کند، هرگز از داوود علیه السلام و روش قضایی‌اش، سخنی به میان نمی‌آورد و نیز نخواهد گفت که به مدد علم خویش حکم کرده است و همین موجب اعتراض‌هایی می‌شود که محک مناسبی برای آزمودن امت است. بدیهی است وقتی این روش در داوری دعاوی تکرار شد و راز آن بر ملا گشت، فایده‌های عمیق دیگری غیر از آزمایش و امتحان بر این قضاوت مترتب خواهد شد.
۳. عادت دادن مردم به رسیدن به حکم واقعی در دعاوی قضایی: زمانی که امام علیه السلام در می‌یابد که قوانین قضایی، حکم واقعی را کشف می‌کند، آن قوانین را به کار می‌گیرد و وقتی که بداند آن قوانین، قاضی را به حکم واقعی رهنمون نمی‌کند، آن را رها کرده و مستقیماً حکم واقعی را اعلام می‌کند. از این رو استفاده‌ی امام علیه السلام از شیوه‌ی داوود نبی علیه السلام عادی خواهد شد. این نه به آن معناست که در همه‌ی دعاوی از آن شیوه استفاده می‌کند، بلکه به این معنا است که در بیشتر موارد آن شیوه را برمی‌گیرد و این در زمانی است که قوانین کلی قضایی به صدور حکم واقعی نینجامد به همین دلیل، امام عصر علیه السلام بین قضاوت داوود و قضاوت پیامبر اکرم جمع می‌نماید و از آن رو که می‌دانیم شیوه‌ی قضایی رسول خدا صلی الله علیه و آله (صدور حکم با بینه و سوگند) در بیشتر موارد مطابق با واقع است و کمتر پیش می‌آید که مخالف با آن باشد، در



می‌یابیم که امام علیه السلام در بیشتر موارد از شیوهی قضایی پیامبر صلی الله علیه و آله بهره می‌گیرد تا روش قضایی داوود نبی علیه السلام. ولی به هر حال آن حضرت حکم واقعی را بیان خواهد فرمود.

۴. عادت دادن جامعه به رسیدن به حکم واقعی در همه‌ی مسائل و مصالح کلی آن جامعه چه در امور قضایی و چه در امور غیر قضایی، زیرا مسائل قضایی به رغم اهمیت آن، مهم‌ترین ضرورت دولت جهانی و از ژرف‌ترین لایه‌های آن نیست. پس اگر در این بخش کم اهمیت‌تر، نیازمند رسیدن به حکم واقعی باشیم. وضع دیگر بخش‌های بسیار مهم و سطح بالای آن دولت و جامعه، ناگفته پیداست. خاستگاه این دلیل آن است که حکومت عدل مطلق که وحدت و انسجام کاملی به جامعه بشری می‌بخشد، امکان تحقق ندارد مگر پس از آنکه، هر رویداد و حادثه‌ای به طور حقیقی مشخص و معلوم گردد و هر پدیده و حرکتی به روشنی مشاهده گردد. هرگونه ضعف در تشخیص یا جهل در مشاهده واقعیت‌ها منجر به خطا در داوری رویدادها می‌شود و هر قدر این ضعف و عدم تشخیص زیاد شود، این داوری‌های نادرست نیز افزون می‌گردد تا آن جا که عدالت در آن حکومت به طور کلی به فراموشی سپرده می‌شود. مقصود از تشخیص حقیقی، کشف واقعیتی است که اجرای کامل عدالت بستگی به آن دارد. به هر حال این روش قضایی نزد امام پسندیده است.^۱

به نظر می‌رسد راز داوری امام مهدی علیه السلام آن هم بدون قبول شاهد و گواه در این است که حضرت به علت اعتماد بر علم الهی، عدالت حقیقی برپا می‌کند. در حالی که وقتی به سخن گواهان تکیه می‌شود، عدالت ظاهری برپا می‌شود؛ چون به هر حال شاهدان از بین انسان‌ها هستند و احتمال خطا

و اشتباه وجود دارد. بنابراین امام مهدی علیه السلام برای جلوگیری از خطا و اشتباه در داوری، با تکیه بر علم الهی خود، عدالت را برپا می‌کند و امر قضاوت را انجام می‌دهد.

سیره‌ی مدیریتی:

یکی از ارکان مهم هر حکومتی، کارگزاران آن حکومت هستند. اگر مسئولان حکومت، افرادی شایسته باشند، کار دولت و ملت سرو سامان می‌گیرد و دست یابی به اهداف حکومت آسان‌تر خواهد بود.

امام مهدی علیه السلام، حاکمانی را از میان بهترین یاوران خود برمی‌گزیند و بر کار آن‌ها نظارت دقیقی خواهد داشت. بدیهی است که امام مهدی علیه السلام کارگزاران خود را از میان کسانی که از جهت دانش، مدیریت، تعهد، پاکی در عمل و نیت و شجاعت در تصمیم‌گیری نسبت به دیگران برترند، برمی‌گزیند. امام باقر علیه السلام فرمود:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِي أَقَالِمِ الْأَرْضِ فِي كُلِّ إِقْلِيمٍ رَجُلًا يَقُولُ: عَهْدَكَ فِي كَفِّكَ فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْكَ مَا لَا تَفْهَمُهُ وَلَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ، فَانْظُرْ إِلَى كَفِّكَ وَاعْمَلْ بِمَا فِيهَا»^۱

زمانی که قائم ظهور فرماید به هر سرزمینی کسی را [برای حکم رانی] می‌فرستد و به او می‌گوید: عهدنامه‌ات در دست من باشد، هرگاه مسئله‌ای برایت پیش آمد که آن را نمی‌دانی و داوری در باره‌اش برایت ممکن نبود، پس به دست نگاه کن و مطابق آن عمل نما.

در روایت دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«عَلَامَةُ الْمَهْدِيِّ أَنْ يَكُونَ شَدِيداً عَلَى الْعُمَمَالِ، جَوَاداً بِالْمَالِ، رَحِيماً بِالْمَسَاكِينِ»^۱

علامت مهدی علیه السلام آن است که با کارگزاران خود شدید و دقیق است، دست بخشنده‌ای دارد و نسبت به مسکینان مهربان است.

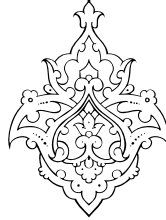
هر حاکمی در بخش‌های متفاوت مدیریت خود شیوه‌ای مخصوص و ویژه دارد که این خود از مشخصه‌های حکومت اوست. بنابر روایت مذکور، امام مهدی علیه السلام در بخش رفتار با کارگزاران یک سیره و مدیریت و در بخش رفتار با مسکینان سیره‌ای دیگر دارد. این مسئله نشان دهنده‌ی این است که امام مهدی علیه السلام در تدبیر نظام و حکومت جهانی خود بسیار دقیق است و اجازه پایمال شدن حقوق مردم را به کارگزارانش نمی‌دهد.



۱. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۳۰۹.

فصل پنجم:

اهداف و دستاوردهای حکومت مهدوی



اهداف حکومت مهدوی

همان طور که می‌دانیم هدف از آفرینش مجموعه‌ی بزرگی هستی، کمال و نزدیکی هرچه بیشتر انسان به سرچشمه‌ی همه‌ی کمالات یعنی خداوند متعال است. انسان مرکب از دو بعد جسم و جان است و نیازهای او نیز به دو بخش مادی و معنوی تقسیم می‌شود. بنابراین، برای رسیدن به کمال لازم است در هر دو جهت، حرکتی سنجیده و حساب شده داشته باشد. حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام به دنبال فراهم آوردن اسباب تقرب به خدا و برداشتن موانع از این مسیر است. بنابراین، اهداف حکومت امام مهدی علیه السلام، در قالب دو محور رشد معنوی و اجرای عدالت و گسترش آن مطرح می‌شود.

رشد معنوی:

یکی از اهداف حکومت امام مهدی علیه السلام رشد معنوی است. برای آگاهی یافتن از ارزش و برتری هدف ذکر شده، لازم است که ما نگاهی گذرا به زندگی بشر در طول حاکمیت طاغوت داشته باشیم.

اگر زندگی انسان همراه با حاکمیت طاغوت و به دور از حکومت حجت الهی و ارزش‌های معنوی باشد در این صورت، انسان پیوسته در مسیر انحطاط معنوی است و با زیر پا گذاشتن ارزش‌های معنوی و پیروی از تمایلات نفسانی

و شیطانی، هواپرستی و خود محوری را توشه‌ی خود قرار می‌دهد و از رشد و تکامل معنوی باز می‌ماند. حکومت امام مهدی علیه السلام در راستای زنده کردن بعد معنوی انسان گام بر می‌دارد و تمام تلاش خود را به کار می‌گیرد تا طعم شیرین حیات واقعی را به آدم‌های مسجود ملائک بچشانند و به همه یادآوری کند که از ابتدا چنین مقدر شده بود که آنان در چنین زندگی تنفس کنند.

چنان که قرآن کریم می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ»^۱

ای گروه مؤمنان، آن گاه که خداوند و پیامبر شما را به سوی آنچه شما را زنده می‌کند، می‌خوانند، آن‌ها را اجابت کنید و به ندای آن‌ها لبیک بگویید.

در این آیه، پذیرفتن دعوت پیامبر صلی الله علیه و آله عاملی برای زنده شدن انسان‌ها معرفی شده است. امام مهدی علیه السلام نیز چون از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله است و به عنوان آخرین ذخیره الهی است، مردم را به سوی آنچه که آن‌ها را زنده می‌کند، می‌خواند. بنابراین، در زمان حاکمیت ولی خدا، بعد معنوی انسان سر و سامان می‌گیرد و ارزش‌های انسانی در همه‌ی ابعاد زندگی رشد می‌یابد. امام مهدی علیه السلام با برنامه ریزی دقیق و جامعه‌ی که در فصول قبل ذکر شد، مردم را در جهت رسیدن به این هدف، هدایت می‌کند.

عدالت گستری:

بزرگ‌ترین زخم بر پیکر جامعه‌ی انسانی در طول قرون گذشته، ظلم و ستم موجود در اجتماعات انسانی بوده است. بشر همواره از رسیدن به حقوق

خود در عرصه‌های مختلف محروم مانده است و هیچ گاه مواهب مادی و معنوی، عادلانه در بین آدمی تقسیم نشده است، به طوری که همیشه در کنار شکم‌های انباشته از غذا، گروهی گرسنه مانده‌اند و پیوسته می‌بینیم که در نزدیکی کاخ‌ها و ویلاهای چند هزار متری، عده‌ای در حاشیه‌ی خیابان‌ها و بر سنگ فرش پیاده روها خوابیده‌اند.

قدرت‌های زر و زور، مردم ضعیف و بیچاره را به بردگی کشیده‌اند و نژاد سفید بر سیاه پوستان برتری یافته، سیاه پوستان تنها به جرم سیاه پوستی، تازیانه‌ی مرگ می‌خورند و شیعیان به جرم شیعه بودن، کشته می‌شوند. بنابراین، همیشه و همه جا حقوق ضعیفان و بینوایان پایمال هواها و تمایلات زورمندان و تزویر گران شده است. به همین جهت، انسان همیشه در آرزوی دست یافتن به عدالت و مساوات روز شماری کرده است.

امام مهدی علیه السلام به عنوان بزرگ‌ترین رهبر عادل، در صدد اجرای عدالت در گستره عالم است. امام حسین علیه السلام فرمود:

«لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرِجَ رَجُلٌ مِنْ وَلَدِي فَيَمْلَأُهَا عَدْلًا وَ قِسْطًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْراً وَ ظُلْماً»^۱

اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را طولانی کند تا مردی از فرزندان من قیام کند و زمین را از عدل و داد پر کند، پس از آنکه از ستم و بیداد آکنده باشد.

در بعضی از دعاها، عدالت از آشکارترین ویژگی‌های امام مهدی علیه السلام بر شمرده شده، به گونه‌ای که آن حضرت به عدالت لقب گرفته است. مانند:

«اللَّهُمَّ وَصِّلْ عَلَى وَلِيِّ أَمْرِكَ الْقَائِمِ الْمُؤْمَلِ وَالْعَدْلِ الْمُنْتَظَرِ»^۲

۱. شیخ صدوق، همان، ج ۱، باب ۳۰، ح ۴، ص ۵۸۴.

۲. عباس قمی، همان، دعای افتتاح، ص ۳۶۱.

خداوندا به ولی امر خود درود فرست. همان که قیام کننده‌ی آرمانی و عدالت مورد انتظار همگان است.

افراد و گروه‌ها قبل از اینکه به حکومت برسند و قدرت را به دست بگیرند، آرمان‌ها و اهدافی را برای حکومت خود بیان می‌کنند و برای رسیدن به آن اهداف، برنامه‌های خود را نیز اعلام می‌کنند. اما بعد از به قدرت رسیدن و گذشت زمان در اهداف خود ناکام می‌مانند. این ناکامی، ناشی از نداشتن مجریانی لایق و یا برنامه‌ای دقیق و مدون است. امام مهدی علیه السلام در راستای دو هدف مذکور هم مجری لایق و توانمندی است و هم با برنامه‌هایی که در فصول قبل ذکر شد، به اهداف خود می‌رسد.

اهداف حکومت امام مهدی علیه السلام در سایه‌ی دستاوردهای آن حضرت در زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، فقهی، عمرانی، عبادی، علمی و صنعتی به دست می‌آید. به همین جهت به شرح هریک از دستاوردها می‌پردازیم.

دستاوردهای حکومت مهدوی در عرصه‌ی اجتماعی:

عدالت فراگیر:

در روایات فراوان، مهم‌ترین دستاورد قیام و حکومت امام مهدی علیه السلام، پرشدن جهان از عدالت بیان شده است.

نکته‌ای که باید به آن اشاره شود، این است که در حاکمیت امام مهدی علیه السلام، عدالت در همه‌ی سطوح جامعه به صورت یک جریان جاری در تمام مویرگ‌های اجتماع درمی‌آید و هیچ نهاد کوچک یا بزرگی نمی‌ماند مگر اینکه عدالت در آن حاکم شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«وَاللّٰهُ لِيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَذْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَزْوَالِيُّ»^۱

به خدا سوگند، عدالت را در خانه‌های مردم خواهد برد. آن چنان که سرما و گرما به درون خانه‌ها نفوذ می‌کند.

براساس روایت مذکور، وقتی که خانه و خانواده به عنوان کوچک‌ترین نهاد اجتماعی به کانون عدالت تبدیل می‌شود و روابط اعضای خانواده با یکدیگر عادلانه می‌شود، بنابراین، در چنین فضایی همه به حکم وظیفه‌ی الهی و انسانی خود، حقوق دیگران را اگر چه از نظر رتبه و مقام جایگاهی نداشته باشند، محترم می‌شمارند و عدالت بر تمام جهان حاکم می‌شود.

رشد فکری، اخلاقی و ایمانی:

از دیگر دستاوردهای حکومت امام مهدی علیه السلام در عرصه‌ی اجتماعی، رشد فکری، اخلاقی و ایمانی است.

همان طور که می‌دانیم در جامعه‌ی امروزی بدون حضور امام، شهوات بر عقل غلبه دارند و نفس سرکش، یگانه فرمانروای افراد و گروه‌ها است. پیامد این وضعیت، پایمال شدن حقوق افراد و فراموش شدن ارزش‌های الهی است. ولی در جامعه‌ی موعود علیه السلام و در سایه‌ی فرمانروایی حجت خدا که عقل کل است، عقل، میدان دار، تصمیم و اقدام خواهد بود و عقول‌ی که در سایه آن حضرت به کمال رسیده‌اند، جز به خوبی و زیبایی فرمان نمی‌دهند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«اِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهِمْ عَقُولَهُمْ وَاكْمَلَ بِهِ

اخلاقهم»^۲

۱. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۳۶۲.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۱، ص ۵۱.

وقی قائم ما قیام کند دست [عنایت] خویش را بر سربندگان خدا نهد و به برکت آن، عقل و خرد آن‌ها به کمال رسد.

«منظور از روایت مذکور این نیست که حضرت مهدی علیه السلام بر سر تک تک انسان‌ها دست می‌کشد و پس از آن عقل مردم کامل می‌شود، هرچند که آن حضرت به یقین از ولایت تکوینی خود استفاده کامل می‌کند و با نفوذ در دل و جان عقل مردم و هدایت‌های پیامبرگونه خود، آنان را هدایت می‌کند، بلکه منظور از «دست» در این روایت، دست رحمت، هدایت و شفقت الهی بر بندگان است. کلمه‌ی ید در زبان عربی معانی گوناگون دارد. یکی از معانی «ید» نعمت و رحمت است. در این صورت معنای روایت چنین است: در زمان ظهور امام مهدی علیه السلام با آفت زدایی از درخت عقل و خرد و ایجاد بستر و زمینه‌ی مناسب برای رشد و شکوفایی عقول مردم، رحمت و نعمت خداوند بر مردم نازل می‌شود و همه‌ی آن‌ها هدایت می‌شوند و به سر منزل مقصود [کمال] می‌رسند.»^۱

عقل، پیامبر درونی انسان است و همه‌ی خوبی‌ها و زیبایی‌ها به دنبال کمال عقل انسان به دست می‌آید. در صورت تسلط عقل بر جسم، اندیشه و عمل انسان به سوی صلاح و درستی خواهد رفت و مسیر بندگی پروردگار و رسیدن به سعادت هموار خواهد شد و ایمان رشد پیدا می‌کند؛ چرا که بنابر روایات، عقل چیزی است که خدا با آن عبادت می‌شود.

از امام صادق علیه السلام سوال شد که عقل چیست؟ حضرت فرمود:

«ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان»^۲

۱. رحیم کارگر، مهدویت پس از ظهور، ص ۴۷.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، همان، ج ۱، ص ۲۴.

عقل، آن حقیقتی است که به سبب آن خداوند عبادت می‌شود و به راهنمایی آن بهشت به دست می‌آید.

در سایه‌ی رشد فکری، اخلاقی و ایمانی، اتحاد و همدلی نیز بین مردم ایجاد می‌شود، به طوری که دوران بحران تضادها و کمشکش‌های بین ملت‌ها هم پایان می‌پذیرد و روابط بین مردم بر پایه‌ی ایمان به خدا و اخلاق مهدوی صورت می‌گیرد.

سلامت جسمی و روانی جامعه

از دیگر دستاوردهای حکومت مهدوی در عرصه‌ی اجتماعی، سلامت جسمی و روانی جامعه است. یکی از مشکلات بشر امروز، بروز بیماری‌های سخت و غیر قابل علاج است، به طوری که بعضی از آن‌ها محصول به کارگیری سلاح‌های شیمیایی، اتمی و میکروبی است. از طرفی دیگر، به علت نبود اخلاق دینی در جامعه، آمار خودکشی‌ها و افسردگی‌های مزمن و روابط نامشروع انسان‌ها با یکدیگر نیز شیوع پیدا کرده است و به دنبال آن بیماری‌های مقاربتی، ایدز و هپاتیت روز به روز سلامت بشر را تهدید می‌کند. علاوه بر این، با از بین رفتن جنگل‌ها، آلوده کردن آب دریاها و تخریب منابع طبیعی، زمینه‌ی وجود بیماری‌های جدید فراهم شده است.

در دولت کریمه‌ی امام مهدی علیه السلام قوای بدنی و روحی انسان‌ها به طور شگفت‌انگیزی زیاد می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ كُلِّ مُؤْمِنٍ الْعَاهَةَ وَرَدَّ إِلَيْهِ قُوَّتَهُ»^۱

چون قائم ما قیام کند خداوند از هر مومنی بیماری و نقص و آفت را دور ساخته و نیرویش را به او باز خواهد گردانید.

۱. محمد بن جعفر الکاتب النعمانی، همان، باب ۲۱، ص ۴۴۰.

امام سجاد (علیه السلام) نیز فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ، وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ، وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا، وَيَكُونُونَ حُكَّامَ الْأَرْضِ وَنَسَامَهَا»^۱

زمانی که قائم ما قیام کند، خداوند آفت را از شیعیان ما بزداید و دل‌های آنان را چون پاره‌های آهن [سخت و تزلزل ناپذیر] کند و هر مرد آنان را قدرت چهل مرد دهد. آنان فرمانروا و سالار جهان خواهند بود.

امنیت عمومی

از دیگر دستاوردهای حکومت مهدوی در عرصه‌ی اجتماعی، امنیت عمومی است. در حاکمیت رهبری معصوم که دوران فراگیر شدن همه‌ی خوبی‌ها در تمام عرصه‌های زندگی است، امنیت که از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی و از بالاترین آرزوهای انسان است، به دست می‌آید. در واقع وقتی مردم از عقیده‌ای واحد اطاعت می‌کنند و در روابط اجتماعی، اصول اخلاقی را رعایت می‌کنند و عدالت در تمام رگ‌های جامعه‌ی بشری چون خون جاری است، هیچ بهانه‌ای برای نا امنی و ترس در هیچ قسمت از زندگی باقی نمی‌ماند.

امام علی (علیه السلام) فرمود:

«لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطَرَهَا، وَلَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ، وَاضْطَلَحَتِ السِّبَاغُ وَالنَّبَاهُ حَتَّى تَمُتِيَ الْأُمَرَاءُ بَيْنَ الْعِرَاقِ إِلَى الشَّامِ لَا تَصْغُ قَدَمُهَا إِلَّا عَلَى النَّبَاتِ، وَ عَلَى رَأْسِهَا زِينَتُهَا (زینبیلها) لَا يُهَيِّجُهَا تَسْبِيعٌ وَلَا تَخَافُهُ»^۲

۱. محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ترجمه محمد رضا شیخی، ج ۱، ح ۱۲۴۰،

ص ۳۵۴.

۲. همان، ح ۱۲۴۱، ص ۳۵۵.

زمانی که قائم ما قیام کند، آسمان نزولات خود را فرو ریزد و زمین گیاهانش را پرویاند و کینه و دشمنی از دل‌های بندگان رخت بربندد و درندگان و چرندگان با هم بسازند، چندان که زنان زیور (زنبیل) به سر، عراق تا شام می‌پیمایند و جز بر علف و سبزه گام نمی‌نهند و هیچ درنده‌ای آنان را آشفته و هراسان نمی‌کند.

«بنابر روایات مذکور، در عصر حکومت امام مهدی علیه السلام آن قدر امنیت برقرار می‌شود که درندگان و چرندگان در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند و با هم سازش دارند. البته این طور نیست که درندگان و چرندگان تغییر ماهیت بدهند، بلکه این حدیث اشاره به برقراری عدالت و امنیت در جهان و تغییر روش حیوان صفتان خون‌خوار که با سازش با حکومت جبار، قرن‌ها به خوردن خون قشرهای مستضعف جامعه‌ی انسانی ادامه می‌دادند، دارد. این افراد در پناه نظام جدید یا به طور کلی تغییر روحیه می‌دهند؛ چرا که حیوان صفتی هرگز جزء سرشت بشر نبوده و نیست و یا حداقل بر سرجای خود می‌نشینند و به جای خوردن منافع دیگران، در کنار آن‌ها از مواهب الهی به طور عادلانه بهره می‌گیرند. همان طور که درندگان در کنار چرندگان در یک مکان قرار می‌گیرند و زندگی مسالمت آمیزی دارند.»^۱

دستاوردهای حکومت مهدوی در عرصه‌ی اقتصادی:

ریشه کن شدن فقر:

از دستاوردهای حکومت مهدوی در عرصه‌ی اقتصادی، ریشه کن شدن فقر در حکومت آن حضرت است. روش امام مهدی علیه السلام در امور مالی حکومت بر مبنای مساوات قرار دارد و این همان روش پسندیده‌ای است که در عصر



پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود داشته است. بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله، این شیوه تغییر کرد و معیارهای دروغینی برای پرداخت های بی حساب به افراد، جای آن را گرفت و سبب پیدایش فاصله طبقاتی در جامعه ی اسلامی آن روز شد. البته اگر چه امام علی علیه السلام و فرزندش امام حسن علیه السلام در مدت خلافت خود به نظام برابری در پرداخت اموال مسلمین مقید بودند ولی بعد از این دو بزرگوار، حکومت ناحق بنی امیه، اموال مسلمانان را همانند ملک شخصی خود و بر طبق مصالح فردی به کار می بردند و از این راه، پایه های حکومت ناحق خود را محکم می کردند. زمین های کشاورزی، ثروت و اموال عمومی را به نزدیکان خود می بخشیدند و این عمل شنیع و زشت از زمان خلیفه ی سوم (عثمان) رایج شده و جنبه ی رسمی پیدا کرد.

همان طور که گفته شد، امام مهدی علیه السلام نماد عدالت است و به همین دلیل همانند پدرش امام علی علیه السلام در تقسیم بیت المال، هیچ تبعیضی قائل نمی شود و هم چنین زمین هایی را که حاکمان جور در ملکیت خود در آورده اند، پس گرفته و به اهلش برمی گرداند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«اذا قام قائمنا اضمحلت القطائع فلا قطائع»^۱

هنگامی که قائم ما قیام کند، قطائع [زمین هایی که زمامداران جور در مالکیت خود درآورده یا واگذار کرده اند] از بین می رود، به طوری که دیگر قطایی در میان نخواهد بود.

امام مهدی علیه السلام هم چنین در راستای رفع نیازهای مادی و ایجاد رفاه عمومی، اموال فراوانی به مردم می بخشد و هر نیازمندی که از آن حضرت

۱. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۳۰۹.

چیزی طلب کند، اموال زیادی را دریافت می‌کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«فهو يَحْتَوِ المالَ حَتَّى يَمْلَأَ»^۱

او [مهدی] اموال را به فراوانی می‌بخشد.

در حکومت امام مهدی علیه السلام، زمین گنج‌های خود را آشکار می‌کند و به دلیل فراوانی نعمت‌ها، فقر ریشه کن می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«ان قائماً اذا قام اشرفت الارض بنور ربها و استغنى الناس عن ضوء الشمس و ذهب الظلمه و يعمر الرجل في ملكه حتى يولد له الف ذكر لا يولد فيهم انثى و تظهر الارض كنوزها حتى يراها الناس على وجعها و يطلب الرجل منك من يصله بماله و ياخذ منه زكاته فلا يجد احداً يقبل منه ذلك، استغنى الناس بما رزقهم الله من فضله»^۲

همانا چون قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می‌شود و مردم از نور خورشید بی‌نیاز گردند و تاریکی یک سره از میان برود و مردم در زمان سلطنت آن حضرت، عمرهای طولانی کنند تا آنجا که دارای هزار پسر شوند که در میان آنها هیچ دختری متولد نشود و زمین گنج‌های خود را آشکار سازد. بدان سان که مردم در روی زمین گنج‌ها را ببینند و مردم برای احسان کردن به کسی به وسیله‌ی مال خود یا دادن زکات به او جستجو کنند و هیچ کس را نیابند که احسان یا زکات خود را بپذیرد و مردم به واسطه‌ی آنچه خداوند به آنها روزی کرده، همگی بی‌نیاز و توان‌گر شوند.

۱. الیهیئته العلمیه، معجم احادیث الإمام المهدی، ج ۱، ص ۲۳۲.

۲. محمد بن محمد مفید، همان، ج ۲، ص ۵۲۲.

با توجه به روایتی که ذکر شد، مردم غنی و بی‌نیاز می‌شوند و هیچ فقیری در حکومت امام مهدی علیه السلام نمی‌ماند. حال یک سؤال مطرح می‌شود که علت فراوانی ثروت در حکومت مهدوی چیست؟

در پاسخ به سؤال مذکور دو احتمال مطرح شده است:

«الف: این ثروت فراوان از راه معجزه و به برکت وجود امام عصر علیه السلام و دعای آن بزرگوار به وجود آمده است. این احتمال بر خلاف قانون معجزه است، زیرا هرگاه بتوان از راه طبیعی به چیزی دست یافت، نمی‌توان برای آن سببی اعجازی در نظر گرفت و به روشنی می‌توان دریافت که امکان گرد آمدن ثروت از راه طبیعی وجود دارد.

ب: عدالت سازمان یافته و نظم در کارها، علت تولید ثروت بی‌کران است.»^۱

رونق بخش‌های کشاورزی، صنعت و معادن:

از دیگر دستاوردهای حکومت مهدوی در عرصه‌ی اقتصادی، رونق بخش‌های کشاورزی، صنعت و معادن است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ تَطْهَرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا حَتَّى يَرَاهَا النَّاسُ عَلَى وَجْهِهَا»^۲

همانا چون قائم ما قیام کند... زمین گنج‌های خود را آشکار سازد. بدان سان که مردم در روی زمین گنج‌ها را ببینند.

(در روایت مذکور مقصود از اینکه زمین گنج‌های خود را آشکار می‌کند این

۱. محمد صدر، همان، ص ۴۷۹.

۲. محمد بن محمد مفید، همان، ج ۲، ص ۵۲۲.

است که معادن در روی زمین آشکار می‌شود و این مسئله زمینه‌ی استخراج معادن به وسیله‌ی دستگاه‌های مدرن را فراهم می‌کند و دولت مهدوی مالک درآمدهای مازاد معادن خواهد شد. این درآمد فراوان با مدیریتی عادلانه به صورت مستقیم و غیر مستقیم میلیون‌ها خانواده در جهان را بی‌نیاز می‌کند.^۱

در روایتی دیگر امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَكَمَ بِالْعَدْلِ وَازْتَفَعَ فِي أَيَّامِهِ الْحُجُورَ أَمِنَتْ بِهِ الشُّبُلُ وَ أَخْرَجَ الْأَرْضَ بِرِكَائِهَا وَ رَدَّ كُلَّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ»^۲

آنگاه که قائم ظهور فرماید، به عدالت حکم کند و ستم و بیداد در روزگار او برطرف شود و راه‌ها امن گردد و زمین برکت‌های خودش را بیرون آورد و هر حقی به صاحب آن برگردد.

در روایتی دیگر پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«يُخْرِجُ فِي آخِرِ أُمَّتِي الْمُهْدِيَّ يَسْقِيهِ اللَّهُ الْغَيْثَ وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا، وَيَغْطِي الْمَالُ صَحَا حَا وَتَكْثُرُ الْمَنَاسِيَةُ وَتَعْظُمُ الْأُمَّةُ»^۳

در میان واپسین امتم، مهدی ظهور می‌کند، خداوند به او باران عطا می‌کند، زمین گیاهش را می‌رویاند، مال را تمام و کمال می‌دهد، دام‌ها و چارپایان زیاد می‌شوند و امت سربلند و بزرگ می‌شود.

بنابر دو روایت مذکور، بخش کشاورزی و دامپروری رونق می‌گیرد و با بارش نزولات آسمانی و آشکار شدن برکت‌های زمین و به تبع آن افزایش چارپایان، زمینه‌ی تولید و بهره‌برداری از منابع زمینی در حد بسیار مطلوبی

۱. محمد صدر، همان، ص ۴۷۹.

۲. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۲، ص ۴۱۲.

۳. محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۱، باب ۲۵۲، ح ۱۲۴۵، ص ۳۵۵.

فراهم می‌شود. بنابراین در عصر حکومت مهدوی، مردم و حکومت از جهت اقتصادی غنی می‌شوند و فقر از چهره‌ی جامعه رخت برمی‌بندد.

دستاوردهای حکومت مهدوی در عرصه‌ی عبادی، فقهی و عمرانی:

ساخت مسجدی با هزار درب:

از دستاوردهای حکومت مهدوی در عرصه‌ی عبادی، فقهی و عمرانی، ساخت مسجدی با هزار درب است که بنابر روایات این مسجد در شهر کوفه ساخته می‌شود.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بَنَى فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا لَهُ
أَلْفَ بَابٍ وَاتَّصَلَتْ بِيُثُوثِ أَهْلِ الْكُوفَةِ بِمَهْرِكِزْبَلَاءٍ»^۱

چون قائم آل محمد قیام کند، در پشت کوفه مسجدی ساخته شود که دارای هزار درب خواهد بود و خانه‌های مردم کوفه به نهرهای کربلا متصل می‌شود.

در این روایت چند نکته‌ی قابل توجه وجود دارد که عبارتند از: ۱. چون کوفه مرکز خلافت امام مهدی علیه السلام است، ساخت بزرگ‌ترین مسجد جهان اسلام در این شهر صورت می‌گیرد. ۲. با توجه به مرکز حکومت در شهر کوفه، فعالیت‌های فرهنگی و عبادی مسجد مذکور، به طور مستقیم زیر نظر حکومت امام مهدی علیه السلام خواهد بود. ۳. ساخت مسجدی با هزار درب [وسعت زیاد] با شرایط دولت جهانی اسلامی کاملاً متناسب است.

۱. محمد بن محمد مفید، همان، ج ۲، ص ۵۲۰.

شهید صدر در توضیح روایت مذکور فرموده است:

«اگر نقشه‌ی کلی مسجد را به صورت مربع فرض کنیم و در هر ضلع آن دویست و پنجاه درب تصور کنیم و فاصله‌ی بین دو درب را حداقل ده متر بدانیم، طول هر ضلع آن دو هزار و پانصد متر خواهد شد. در واقع مساحت مسجد کمتر از شش میلیون و دویست و پنجاه هزار متر مربع نخواهد بود. این مسجد با شرایط دولت جهانی اسلامی، تناسب دارد. امام علیه السلام نماز جمعه را هر هفته در این مسجد برپا خواهد نمود و شرعاً حضور اکثریت مردان این شهر و حومه‌ی آن در نماز جمعه واجب خواهد شد. علاوه بر این عده‌ی زیادی نیز از شهرها و مناطق دیگر جهان به شوق اقامه‌ی نماز به امامت حضرت به آنجا خواهند شتافت. در نتیجه چنین جمعیت انبوه و مشتاقی، چنان مسجد عظیمی را نیز می‌طلبند.»^۱

در روایات، علت ساخت مسجدی با هزار درب، درخواست مردم از امام علیه السلام برای ساختن مسجدی با وسعت فراوان است تا همه‌ی مردم بتوانند به آن حضرت اقتدا کنند و نماز را با او به جماعت بخوانند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«یدخل المهدي الكوفة ... فإذا كانت الجمعة الثانية قال الناس: يا بن رسول الله! الصلاة خلفك تضاهي الصلاة خلف رسول الله صلی الله علیه و آله والمسجد لا يسعنا. فيقول: انا مرتاد لكم. فيخرج الى الغرى و فيخطب مسجد له الف باب يسع الناس، عليه اصيص، و يبعث فيحفر من خلف قبر الحسين علیه السلام لهم نهراً يجري إلى الغريين حتى ينبذ في النجف و يعمل على فوهته قناطر و ارجاء في السبيل و كأني بالعجوز و على رأسها

مکتل فیه بر حقی تطحنه بکربلا^۱

مهدی علیه السلام وارد کوفه می شود... زمانی که جمعه‌ی دوم فرا می رسد، مردم عرضه می دارند: نماز خواندن پشت سر شما یادآور نماز خواندن پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله است و مسجد گنجایش جمعیت ما را ندارد. آن حضرت می فرماید: برای شما فکری می کنم. بنابراین، آن حضرت از کوفه به سمت نجف بیرون رفته و طرح و نقشه‌ی مسجدی را رسم می کند که هزار درب دارد و جای همه‌ی نمازگزاران را داشته و مجتمع بزرگ و بسیار محکمی خواهد بود. گروهی را می فرستد تا از پشت سر قبر امام حسین علیه السلام کانال آبی حفر کنند که آب آن به زمین های نجف رسیده و جریان پیدا می کند. بر روی آن کانال آب، راه ها، پل ها و آسیاب هایی ایجاد می شود و گویا پیرزنی را می بینم که روی سرش زنبیلی از گندم است و برای اینکه آن را آرد کند به کربلا می رود.

بازسازی مسجد الحرام و بازگرداندن مقام ابراهیم به جایگاه اصلی خود:

از دیگر دستاوردهای حکومت مهدوی در عرصه‌ی فقهی، عبادی و عمرانی، بازگرداندن مقام ابراهیم علیه السلام به جایگاه اصلی خود و کوچک کردن مسجد الحرام است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«اذا قام القائم، هدم المسجد الحرام حتی یرده إلى أساسه و حوّل المقام إلى الموضع الذی کان فیه و قطع أیدی بنی شیبه و علّقها بالكعبة و کتب علیها: هواء سراق الکعبة»^۲

۱. محمد بن حسن طوسی، همان، ص ۷۸۵.

۲. محمد بن محمد مفید، همان، ج ۲، ص ۵۲۵.

آن‌گاه که حضرت قائم علیه السلام قیام کند، مسجد الحرام را خراب کند تا به اساس و پایه‌های [اصلی] آن باز گرداند و مقام [ابراهیم] را به جای اولی خود که در آن بوده، بازگرداند و دست‌های قبیلۀ بنی شیبۀ را [که کلیدهای کعبه نزد آن‌ها است] ببرد و به کعبه بیاویزد و بر آن‌ها [دست‌ها] بنویسد: این‌ها دزدان کعبه.

«بنابر روایتی که ذکر شد، امام مهدی علیه السلام مقام ابراهیم علیه السلام را از مکان کنونی به محل قدیمی‌اش در کنار دیوار کعبه، منتقل خواهد کرد. مقام ابراهیم علیه السلام، حکایت از مکانی دارد که ابراهیم علیه السلام هنگام ساختن کعبه در آنجا ایستاده بود و هم اکنون این مقام در چند متری از دیوار کعبه قرار دارد. به طور طبیعی کسی که دیواری می‌سازد، خود در کنار آن دیوار می‌ایستد و معنا ندارد که چند متر دورتر از آن بایستد. بنابراین، مکان طبیعی مقام ابراهیم علیه السلام در کنار کعبه‌ی مشرفه است.»^۱

امام مهدی علیه السلام مسجد الحرام را نیز خراب می‌کند و آن را به پایه‌های اصلی‌اش برمی‌گرداند. شهید صدر در توضیح این مسئله فرموده است:

«امام مهدی علیه السلام فضای مسجد الحرام را کوچک‌تر کرده و به اندازه همان بنایی که در صدر اسلام و از زمان ابراهیم علیه السلام بوده، برمی‌گرداند و بدین ترتیب از ساختمان فعلی مسجد به ویژه پس از اجرای طرح‌های عظیم توسعه در زمان ما، تنها یک چهارم باقی خواهد ماند. محدود شدن فضای مسجد الحرام به معنای کم شدن جمعیت حاجیان نیست، بلکه تعداد آنها به سبب جهانی شدن اسلام بسیار بیشتر خواهد شد ولی آنها فقط برای انجام حج واجب و یا مستحب به مکه سفر خواهند کرد و نه برای تجارت و تفریح، آن‌طور که بیشتر مسلمانان در عصر پیش از ظهور چنین‌اند. مساحت اندک مسجد،



فضا را برای طواف گذاران تنگ خواهد کرد. اما امام مهدی علیه السلام با بیان احکامی، گره این مشکل را خواهد گشود. در روایات به دو مورد از این احکام اشاره شده است. حکم اول: مجاز بودن طواف در پشت مقام ابراهیم. عالمان مسلمان در عصر غیبت در این مسئله اختلاف نظر دارند. اما امام مهدی علیه السلام، مقام ابراهیم علیه السلام را به جایگاه اصلی اش یعنی کنار دیوار کعبه منتقل می‌سازد و به این ترتیب هرکس که طواف کعبه کند، از پشت مقام طواف کرده است و شعاع مطاف تا دیوارهای مسجد امتداد دارد.

حکم دوم: در هنگام تجمع کسانی که طواف واجب دارند، طواف‌های مستحبی ممنوع می‌شود و بنابر روایات، در این هنگام طواف گذاران مستحبی و استعلام کنندگان حجر الاسود مکلف هستند جای خود را به کسانی که طواف واجب دارند بدهند و خود از دایره‌ی طواف خارج شوند. به این ترتیب شمار طواف گذاران کعبه، کاهش خواهد یافت و ازدحام جمعیت برطرف خواهد شد.^۱

بنابر روایتی دیگر، امام مهدی علیه السلام پس از اینکه وارد کوفه می‌شود، دستور خراب کردن چهار مسجد از جمله مسجد الحرام را صادر می‌کند. امام باقر علیه السلام فرمود:

«اِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام دَخَلَ الْكُوفَةَ وَامْرَبَهُمَ الْمَسَاجِدِ الْارْبَعَةَ حَتَّى يَبْلُغَ
اَسَاسَهَا وَيَصِيرَهَا عَرِيشًا كَعَرِيشِ مُوسَى، وَتَكُونَ الْمَسَاجِدُ كُلُّهَا جَاءَ
لَا شَرَفَ لَهَا كَمَا كَانَ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَيُوسِعُ الطَّرِيقَ الْأَعْظَمَ
فَيَصِيرُ سِتِينَ ذِرَاعًا وَيَهْدِمُ كُلَّ مَسْجِدٍ عَلَى الطَّرِيقِ وَيَسِرُّ كُلَّ كُوفَةٍ إِلَى
الطَّرِيقِ وَكُلَّ جَنَاحٍ وَكُنُفٍ وَمِيزَابٍ إِلَى الطَّرِيقِ وَيَأْمُرُ اللَّهَ الْفَلَكَ فِي

زمانه فیبطیء فی دورة حتی یکون الیوم فی آیامه کعشرة من آیامکم و السهر کعشرة أشهر و السنة کعشر سنین من سنیکم^۱

وقتی که قائم علیه السلام قیام کند، داخل کوفه شده و دستور به انهدام چهار مسجد می دهد تا آن ها را به پایه اولیه شان برساند. آن ها را مانند عریش موسی علیه السلام به صورت سایبان باز سازی می کند و دیوارهای مساجد همه مثل زمان رسول صلی الله علیه و آله بدون کنگره خواهند شد. راه های بزرگ و اصلی را تا شصت ذراع وسعت می دهد، هر مسجدی را که سر راه باشد تخریب می کند، هر پنجره ای که به سمت راه باشد را می بندد و هر جوی [فاضلاب] و ناودانی که به راه می ریزد را مسدود می کند. خداوند به فلک امر می کند که در زمان آن حضرت، آهسته حرکت کند تا آنجا که یک روز در زمان ایشان مثل ده روز شماس است و یک ماهش مانند ده ماه و یک سالش مساوی ده سال شما خواهد بود.

«مقصود از چهار مسجد مذکور، مسجد الحرام، مسجد النبی، مسجد الاقصی، و مسجد کوفه است. امام مهدی علیه السلام آن ها را خراب کرده از اساس می سازد و منظور از عریش، یک خانه با پایه و اساس چوب، شبیه به خیمه یا سایبان و یا هر پوششی که سایه افکند، می باشد و در زمان موسی علیه السلام این گونه بنایی را برای عبادت برپا می کردند. شاید در اینجا این منظور را برساند که امام مهدی علیه السلام از هرگونه تجمل زاید و اسراف کاری در بنای مساجد و ابنیه مذهبی جلوگیری خواهد کرد، نه اینکه لزوماً مساجد را به صورت خیمه در می آورد، بنابراین، عبارت معنای کنایی دارد.»^۲

در حدیث مذکور، از جمله اقدامات دولت امام عصر علیه السلام، احداث

۱. محمد بن حسن طوسی، همان، ص ۷۸۵.

۲. همان.



شاهراهی بزرگ است و منظور از آن، جاده‌ای اصلی است که دو شهر را به یکدیگر پیوند می‌دهد. البته در این خبر اشاره به جاده‌ی خاصی نشده است و در واقع مقصود این است که حضرت اقدام به توسعه‌ی راه‌های بین شهری می‌نماید. بنابر روایت مذکور، قوانین ساختمان سازی در عصر حکومت امام مهدی (عج)، مانع از قرار دادن دریچه و پنجره‌های مشرف بر معابر عمومی (جناح) می‌شود و نیز هر آنچه که موجود باشد، مسدود خواهد شد. دادن این حکم برای آن است که فضای داخلی خانه‌ها پیدا نباشد و برای تهویه منزل باید از وسیله‌ی دیگری بهره جست.

واژه‌ی (جناح) در روایت مذکور، علاوه بر معنای معابر عمومی، معنای دیگری دارد که عبارت است از بیرون رفتگی‌هایی که معمولاً در ساختمان‌ها به سمت کوچه و یا خیابان به صورت ستون دار یا بی‌ستون وجود دارد. این مفهوم با استعاره گرفتن از معنای جناح یعنی بال مناسب تر است. هر چند در قاموس‌های لغت نیامده است. در هر صورت آنچه که فهمیده می‌شود این است که دولت امام مهدی (عج) این نوع ساخت و ساز را ممنوع خواهد کرد.^۱ بنابر روایت، از دیگر اقدامات آن دولت، جلوگیری از جاری شدن فاضلاب و آب ناودان‌ها در کوچه‌ها و خیابان است؛ زیرا این کار موجب آلودگی معابر عمومی و آزار عابرین می‌گردد، از طرفی اجرای این برنامه نقش مهمی در رعایت بهداشت محیط و سلامت جامعه دارد.

کشتن شیطان و خالی کردن زمین از وجود او:

از دیگر دستاوردهای حکومت مهدوی، کشتن شیطان و خالی کردن زمین

از وجود اوست. ابلیس مخلوقی با شخصیتی شناخته شده است. او پس از سرپیچی از فرمان پروردگار، منبع شر و بدی و گناه برای آدم و فرزندان او گردید. او در آن زمان از خداوند درخواست کرد که عمری طولانی بیابد و خداوند خواسته‌ی او را برآورده ساخت. از این رو هر کفر و انحراف و سرکشی در بین بشریت به شیطان نسبت داده می‌شود. او عمر طولانی تا روز قیامت [الی یوم یبعثون] را درخواست کرد که خداوند بخشی از این درخواست را اجابت فرمود و بخشی دیگر را نپذیرفت.

قرآن کریم در این مورد می‌فرماید:

«قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ»^۱

[شیطان] گفت: «پروردگارا، پس مرا تا روزی که برانگیخته می‌شوند مهلت ده» [خداوند] فرمود: «در حقیقت تو از مهلت یافتگانی تا روز معین معلوم.»

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه فرمود:

«الوقت المعلوم يوم قيام القائم فإذا بعثه الله كان في مسجد الكوفة وجاء ابليس حتى يجثو على ركبته، فيقول يا ويلاه من هذا اليوم! فيأخذ بناصيته فيضرب عنقه»^۲

وقت معلوم زمانی است که قائم علیه السلام قیام می‌کند. پس هنگامی که خداوند او را برانگیخته می‌کند [و آماده‌ی قیام است] در مسجد کوفه است. در آن وقت شیطان در حالی که با زانوهای خود راه می‌رود، به

۱. سوره ص (۳۸)، آیات ۷۹-۸۱.

۲. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۴۳۳.

آنجا می‌آید و می‌گوید: ای وای از خطر امروز! قائم پیشانی او را گرفته و گردنش را می‌زند.

«پیروی از ابلیس و هم‌سویی با او از آغاز زندگی بشر تا عصر پیش از ظهور، محکی برای آزمایش انسان‌ها بوده است، اما در عصر پس از ظهور چنین نخواهد بود، بلکه روش آزمایش انسان‌ها قبل و پس از ظهور متفاوت خواهد بود. بنابر روایت مذکور، قتل شیطان به معنای از بین رفتن همه‌ی شیاطین به ویژه انسان‌های شیطان صفت نیست، زیرا تکلیف برقرار است و تکلیف دائر مدار اختیار خیر و شر است و برخی انسان‌ها هستند که نقش شیطان را بر عهده دارند.»^۱

«همانطور که گفته شد، شیطان از بین می‌رود و امام عصر علیه السلام او را می‌کشد. اما از بین رفتن شیطان فوایدی دارد از جمله اینکه: اگر شیطان همواره زنده باشد، بیشتر افراد پیرو او خواهند شد. از طرفی دیگر، اجرای کامل عدالت بستگی به هلاکت شیطان دارد؛ زیرا اجرای کامل عدالت، وابسته به ترویج ایمان در بین انسان‌هاست و این اتفاق در حیات شیطان روی نمی‌دهد. در این صورت برای فراگیر شدن ایمان در سطح جامعه‌ی بشری، گریزی از کشته شدن او نیست. در نتیجه، این کار اولین گام در راه مصالح بشری و اجرای کامل عدالت در بین انسان‌هاست.»^۲

با توجه به اینکه شیطان در عصر حکومت امام مهدی علیه السلام کشته می‌شود و از طرفی دیگر رشد فکری و اخلاقی اتفاق می‌افتد. آیا مردم گناه می‌کنند؟ نقش اختیار انسان در اینجا چگونه است؟

۱. جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، همان، ص ۳۰۶.

۲. محمد صدر، همان، ص ۴۹۸.

جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت معتقدند که:

«بعد از ظهور امام مهدی علیه السلام مانند پیش از ظهور، اختیار باقی است و برای انسان، امکان گناه کردن هست. این مطلب مسلمی است که ادله عقلی بر آن دلالت دارد.»

ادله عقلی بر وجود اختیار و امکان گناه در حکومت امام مهدی علیه السلام:

الف: انسان موجودی است که ذاتاً در افعال خود مختار است. این یکی امروجدانی است که اگر انسان در خود تأمل کند، این مطلب را درک می کند. در قرآن هم آیات متعددی اشاره به این حکم عقل دارد. مانند

«وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ»^۱

بگو: حق، از پروردگارتان است. پس هرکه بخواهد ایمان بیاورد و هر که بخواهد انکار کند.

بنابراین، هیچ دلیلی مبنی بر اینکه بعد از ظهور، ماهیت انسان تغییر می کند و از او سلب اختیار می شود، نداریم. علاوه بر اینکه به حکم عقل، انقلاب و تبدیل در ماهیت، محال است.

ب: یکی از اصول دین ما معاد است. ما معتقدیم قیامت برای تمام افراد، از اول هستی تا به آخر، حتی برای پیامبران و امامان ثابت است و هیچ استثنایی در میان نیست. روشن است مسئله قیامت، ثواب و عقاب، فرع بر صحت تکلیف است تکلیف متفرع بر اختیار است.

ج: خداوند در قرآن کریم، مردم را یا با لفظ (ناس) و یا با لفظ (مومنین) می خواند. این دو لفظ، شامل تمام افراد می شود. انسان های پس از ظهور، یا ایمان می آورند که مشمول این خطاب ها و تکالیف هستند و یا ایمان



نمی‌آورند که باز هم نشانه‌ی اختیار و امکان گناه برای آنان است و هیچ دلیلی براستثناء کردن و خارج کردن آن افراد از تحت خطاب‌های قرآن، نداریم.

نکته مهم دیگر این است که اختیار داشتن انسان به این معنا نیست که حتماً باید ظلم و گناه کند. آنچه اختیار انسان را ثابت می‌کند امکان گناه و ظلم است نه انجام گناه. اما اینکه چرا در زمان حکومت امام مهدی (عج) مانند این زمان امکان گناه هست اما گناه و ظلمی صورت نمی‌گیرد؛ به خاطر این است که ریشه‌ی گناه، غلبه‌ی هوای نفس بر عقل و خرد است و اگر انسان تابع عقل باشد و بر عواقب گناه بیندیشد، هرگز گناه نمی‌کند.

در عصر حکومت امام مهدی (عج) همان طور که گفته شد، عقول کامل می‌شود و هوای نفس تابع عقل می‌گردد، کسی به کسی ظلم نمی‌کند اگر چه امکان ظلم و گناه هست و اختیار هم باقی است. باید توجه داشت که انسان‌های دوران ظهور همانند انسان‌های دوران غیبت دارای اختیارند. آنان خود باید نیکی را بخواهند و به آن عمل کنند تا سزاوار دریافت پاداش الهی شده و به بهشت بروند؛ چرا که انسان مجبور نه لایق پاداش است و نه مستحق مجازات و کیفر.^۱

بنابراین، در دوران ظهور به برکت حضور و حکومت الهی امام مهدی (عج)، زمینه‌ی مناسبی برای حرکت عمومی جامعه به سوی نیکی‌هاست و عموم مردم در جاده‌ی صلاح و رستگاری گام برمی‌دارند. البته اینکه سخن از اجرای عدالت فراگیر است، خود نشانه‌ی آن است که ممکن است فردی دچار خطا و انحراف بشود ولی اگر رفتار او منجر به تجاوز به حقوق دیگران شود به سرعت عدالت در باره‌ی او اجرا شده، مجازات می‌شود. این به معنای برقراری دوباره

۱. جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، همان، ص ۳۱۱-۳۱۴.

شرک و کفر و انحراف در جامعه نیست، بلکه حکومت الهی تا پایان عمر دنیا باقی می ماند و به دنبال آن، قیامت برپا می شود.

دستاوردهای حکومت مهدوی در عرصه‌ی دانش های تجربی:

گسترش علم:

در عصر حکومت امام مهدی علیه السلام، رازهای علمی فراوان در علوم اسلامی و انسانی آشکار می شود و علم و دانش بشری به گونه ای که غیر قابل تصور است، توسعه می یابد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«العلم سبعة وعشرون حرفاً فجميع ما جاءت به الرسل حرفان. فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين، فإذا قام قائمنا أخرج الخمسة والعشرين حرفاً، فبثها في الناس وضم إليها حرفين حتى يثبتا سبعة وعشرين حرفاً»^۱

علم و دانش بیست و هفت حرف است و همه‌ی آنچه پیامبران آورده اند، تنها دو حرف آن است و مردم تاکنون جز با آن دو حرف آشنایی ندارند و هنگامی که قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون آورده و در میان مردم گسترش دهد و آن دو حرف را نیز به آن ها ضمیمه ساخته و مجموع بیست و هفت حرف را منتشر خواهد کرد.

صنایع و ابزار پیشرفته:

از دستاوردهای حکومت امام مهدی علیه السلام در عرصه‌ی دانش‌های تجربی، صنایع و ابزار پیشرفته است. در آن عصر، صنایع و تکنولوژی به شیوه‌ی بی سابقه‌ای گسترش می‌یابد به نحوی که این پیشرفت تنها در مسیر منافع انسان‌ها و تحقق بخشیدن به آرمان حق طلبان، آزادی خواهان و تشنگان حق و عدالت است.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ عُرْجَلَ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ، حَتَّى (۷) يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ، يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ، وَيَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَهُوَ فِي مَكَانِهِ»^۱

زمانی که قائم ما قیام کند، خداوند عزوجل گوش‌ها و چشم‌های شیعیان ما را چنان تیز کند که میان آنان و قائم علیه السلام پیکی نباشد. از جای خود با شیعیان سخن می‌گوید و آن‌ها سخنانش را می‌شنوند و خود او را می‌بینند.

در روایتی دیگر از امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمود:

«إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَهُوَ الْمَشْرِقُ لَيَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ وَ كَذَا الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ يَرَى أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَشْرِقِ»^۲

در روزگار قائم علیه السلام مؤمن در مشرق زمین، برادرش را که در مغرب زمین است می‌بیند.

«این دو خبر به روشنی، به کاربرد تلویزیون در دولت امام مهدی علیه السلام»

۱. محمد محمدی ری شهری، همان، ج ۱، باب ۲۴۷، ح ۱۲۳۴، ص ۳۵۳.

۲. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

اشاره دارد و چه بسا دامنه‌ی بهره‌گیری از آن تا آنجا گسترش یابد که همه‌ی مردم، او [مهدی علیه السلام] را نزد خود، در شهرهایشان می‌بینند تا جایی که دیگر نیازی به پیک نخواهند داشت. امام مهدی علیه السلام در مکان خلافت خود، کوفه، می‌نشیند اما به مدد پخش زنده تلویزیونی، مردم او را می‌بینند و سخنش را می‌شنوند. البته در روایت مذکور نیامده است که مردم نیز با او سخن می‌گویند؛ زیرا این امکان در مورد تلویزیون وجود ندارد. بهره‌گیری از تلویزیون تنها ویژه‌ی امام مهدی علیه السلام نخواهد بود، بلکه مؤمنان نیز از آن سود خواهند برد، همان طور که در روایت دوم به این مسئله اشاره شد. البته این احتمال هم وجود دارد که دولت امام مهدی علیه السلام با استفاده از تجهیزات دیگری امکان گفت و شنود هم زمان را برای افراد و حتی گروه‌ها فراهم آورد. چنانکه در زمان ما ابزار رسانه‌ای به طور شگفت‌آوری پیشرفت نموده است. و شبکه جهانی اطلاع‌رسانی (اینترنت) نمونه‌ای از آن است.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود:

«ان قائمنا اذا قام اشرفت الارض بنور ربها و استغنى الناس عن ضوء الشمس»^۲

همانا چون قائم ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن شود و مردم از نور خورشید بی‌نیاز گردند.

آیت الله مکارم شیرازی در توضیح این روایت فرموده است:

«از این تعبیر چنین برمی‌آید که مسئله نور و انرژی در عصر حکومت امام مهدی علیه السلام چنان حل شود که در روز و شب از پرقدردترین نورها

۱. محمد صدر، همان، ص ۵۰۵-۵۰۶.

۲. محمد بن محمد مفید، همان، ج ۲، ص ۵۲۲.

که می‌تواند جانشین نور آفتاب شود، بهره‌گیری می‌کنند. البته به این مسئله نباید به شکل اعجاز نگاه کرد؛ چرا که در عصر هیچ پیامبر و امامی، زندگی عادی مردم بر اساس اعجاز جریان نداشته است. بنابراین، تکامل علوم و صنایع به حدی می‌رسد که مردم با رهبری امام مهدی (عج) قادر به کشف منبع نور و انرژی فوق العاده که حتی می‌تواند جانشین نور خورشید گردد، می‌شوند.^۱

در روایتی دیگر امام صادق (ع) فرمود:

«إِنَّهُ إِذَا تَنَاهَتْ الْأُمُورُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ فَعَلَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ كُلُّ مَخْفُضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَخَفُضَ لَهُ كُلُّ مَرْتَفَعٍ حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ، فَيَكُمُّ لَوْكَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةً لَمْ يَبْصُرْهَا»^۲

هنگامی که کارها به صاحب اصلی ولایت [امام مهدی (عج)] برسد، خداوند هر نقطه‌ای فرو رفته‌ای از زمین را برای او مرتفع و هر نقطه مرتفعی را پایین می‌برد. آن چنان که تمام دنیا نزد او به منزله‌ی کف دستش خواهد بود! کدامیک از شما اگر در کف دستش مویی باشد آن را نمی‌بیند.

آیت الله مکارم شیرازی در توضیح این روایت نیز فرموده است:

«امروز با نصب وسایل فرستنده بر فراز کوه‌ها، کمک به انتقال تصاویر به نقاط مختلفی از جهان می‌کنند و حتی از ماهواره‌ها نیز استفاده کرده، مناطق وسیع‌تری را زیر پوشش انتقال تصویر قرار می‌دهند تا همه‌ی کسانی که دستگاه‌های گیرنده در اختیار دارند، بتوانند از آن استفاده کنند. ولی عکس این موضوع در حال حاضر عملی نیست. یعنی امکان انتقال تصاویر از همه‌ی نقاط جهان به یک نقطه امکان‌پذیر نیست.

۱. ناصر مکارم شیرازی، همان، ص ۲۴۵.

۲. محمد باقر مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۳۲۸.

در عصر قیام امام مهدی علیه السلام، یک سیستم نیرومند و مجهز برای انتقال تصاویر به وجود می آید که شاید تصور آن هم امروز برای ما مشکل باشد. آن چنان که تمام جهان به منزله ی کف دست خواهد بود. وجود موانع مرتفع و گودی های زمین، مانع از رویت موجودات روی زمین نخواهد شد! بدیهی است بدون چنین اطلاعاتی از تمام کروی زمین، حکومت واحد جهانی و صلح و امنیت و عدالت، به گونه ی همه جانبه و سریع و جدی امکان پذیر نخواهد بود.^۱

همان طور که می دانیم هدف از خلقت، قرب و رسیدن به کمال است و تعالی و کمال انسان از مسیر سختی ها، بلایا، فقر و محیط فاسد می گذرد. از طرفی دیگر امام مهدی علیه السلام همان طور که گفته شد، در راستای رشد معنوی و رسیدن به کمال قدم برمی دارد. اما در حکومت حضرت، خبری از سختی ها و بلایا برای طی کردن مسیر کمال نیست، پس قرب و کمال انسان ها در عصر حکومت امام مهدی علیه السلام چگونه حاصل می شود؟

در پاسخ به سوال مذکور گفته شده است:

«سختی و فقر و گرفتاری و ... وسیله ای برای پیشرفت و رشد انسان ها هستند. البته به شرطی که انسان به خوبی از آن ها استفاده کند. برخی بر اثر سختی و نداری نه تنها رشد نکرده اند، بلکه گاهی از مسیر حق خارج شده اند. پس این مجموعه، وسیله ای برای رسیدن به کمال هستند نه خود کمال. اما اینکه در دوران حضرت مهدی علیه السلام، هیچ گونه سختی، بلا و مشکلی وجود نداشته باشد، فرض درستی نیست. بلکه جهاد مداوم، تشکیل حکومت و رسیدگی به کارهای مردم و ... همه و همه در آن دوران هم وجود دارد. بنابراین، این طور نیست که در آن دوران، راحتی مطلق باشد و ناز و نعمت به حدی باشد که



انسان از رشد ایمانی و شکوفایی عملی باز بماند، بلکه عدالت جهانی و فراگیر وجود دارد و تبعیض‌ها از بین می‌رود. امنیت در تمام ابعاد فردی، اجتماعی، سیاسی و ... بر جامعه حاکم می‌شود. اما سختی هم وجود دارد؛ چرا که متدینان و همراهان امام مهدی علیه السلام باید او را در اداره جهان، آن هم با عدالت فراگیر یاری کنند. در رابطه با کمال انسان‌ها، راه‌های زیادی وجود دارد و مسئله مهم آن است که انسان در هر شرایط از عوامل، با دلیل استفاده کند. راه تکامل گاهی از گردنه‌ی سخت و دشوار بلاها و مصایب عبور می‌کند و گاهی از دشت هموار نعمت‌ها. از این رو، این دو مسیر خود به خود رساننده‌ی به کمال نیستند. مهم آن است که انسان چگونه با سختی و نعمت برخورد کند و چگونه از آنها در راه رسیدن به کمال بهره بگیرد.^۱

به نظر می‌رسد اگر انسان در شرایط سختی زندگی کند و در مواجهه با مشکلات، صبر داشته باشد و در گذر از این مشکلات و برای رسیدن به کمال، به خداوند توکل کند، آن فرد از آزمایش الهی سربلند بیرون می‌آید و به قرب و کمال الهی می‌رسد. اما در نقطه‌ی مقابل این جریان، اگر انسان در شرایط نعمت، و راحتی مطلق باشد، در صورتی به کمال می‌رسد که این نعمت‌ها را در جهت صحیح آن به ار بگیرد، اما اگر استفاده بهینه از شرایط مساعد نکند، این نعمت‌ها نه تنها او را به کمال نمی‌رساند، بلکه باعث دور شدن او از مسیر کمال می‌شوند. هم چنان که در داستان زندگی فرعون و قارون و ... می‌خوانیم که با وجود ثروت فراوان و نعمت‌های بی شمار، آن‌ها کفر ورزیدند و در نهایت هلاک شدند. بنابراین وجود نعمت‌ها و راحتی تقریباً مطلق در عصر حکومت امام مهدی علیه السلام، پلی برای رسیدن به کمال است نه خود کمال.

نتیجه‌گیری:

با توجه به روایات ذکر شده، نتیجه می‌گیریم که امام مهدی علیه السلام، پانزده روز بعد از کشته شدن نفس زکیه، در مکه ظهور خواهد کرد و با سیره‌ی حکومتی پیامبرگونه‌ی خود، جاهلیت مدرن نشأت گرفته از چیرگی شیطان و هوی و هوس را از بین خواهد برد. آن حضرت با برپایی دولت کریمه، امنیت، اخلاق دینی، وحدت و یکپارچگی و عدالت را بر تاروپود جامعه حاکم می‌کند و با احیای دین و ارزش‌های الهی و با یاری حضرت عیسی علیه السلام و امدادهای غیبی خداوند، اسلام ناب محمدی را بر سایر ادیان مسلط می‌کند. هم چنین آن حضرت با قضاوت عادلانه‌ی خود، حق مظلومان را از ظالمان می‌گیرد و ریشه ظلم و ستم را از بین می‌برد.



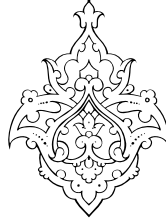
پیشنهادهای

پیشنهاد می شود که:

۱. فرهنگ مهدویت به گونه ای صحیح و کامل مطرح شود که همه ی افراد جامعه نسبت به حکومت امام مهدی علیه السلام معرفت پیدا کنند و شبهات مطرح شده از جانب بیگانگان، از اذهان پاک شود.
۲. تحقیق جامعی در مورد سیمای دولت امام مهدی علیه السلام در سایر ادیان صورت گیرد.
۳. تحقیق جامعی در رابطه با آسیب های مهدی گرایی و مدعیان دروغین انجام گرفته و در دسترس عموم قرار گیرد.



منابع و مأخذ



منابع و مأخذ:

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین قمی، کمال الدین و تمام النعمة، ترجمه ی منصور پهلوان، قم، دارالحديث، ۱۳۸۰.
۲. بالادستیان، محمد امین و محمدی حائری پور، محمد و یوسفیان، مهدی، نگین آفریش، قم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۸۸.
۳. جمعی از محققین مرکز تخصصی مهدویت، آفتاب مهر (پرسش ها و پاسخ های مهدوی)، قم، بنیاد فرهنگی مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف، ۱۳۸۷.
۴. حسینی دشتی، مصطفی، معارف و معاریف (دائرة المعارف جامع اسلامی)، تهران، مؤسسه فرهنگی آرایه، ۱۳۸۵.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۰.
۶. حوزة علمیه حضرت زهرا (سلام الله علیها) تهران، متن کامل خطبه ی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در غدیر خم، تهران، ثارالله، ۱۳۷۹.

۷. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه‌ی دهخدا، تهران، دانشگاه، ۱۳۸۰.
۸. صدر، محمد، تاریخ پس از ظهور، ترجمه‌ی حسن سجادی پور، تهران، موعود عصر ع، ۱۳۸۷.
۹. طبرسی، احمد بن علی بن ابیطالب، الإحتجاج علی أهل اللجاج، تهران، اسوه، ۱۴۱۶.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، متن و ترجمه‌ی کتاب الغيبة، ترجمه‌ی مجتبی عزیزی، قم، مسجد مقدس جمکران، اسوه، ۱۳۸۶.
۱۱. طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت حضرت مهدی ع، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۰.
۱۲. عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۳.
۱۳. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، ترجمه‌ی الهی قمشه‌ای، قم، شهاب، ۱۳۸۹.
۱۴. کارگر، رحیم، مهدویت پس از ظهور، قم، دفتر نشر معارف، ۱۳۸۷.
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه‌ی لطیف و سعید راشدی، قم، دانش، ۱۳۸۸.
۱۶. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، ج ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۸، و ۲۵، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۷۲.
۱۷. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ترجمه‌ی محمد رضا شیخی، قم، دارالحديث، ۱۳۸۵.
۱۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، نامن، ۱۳۸۴.
۱۹. مفید، محمد بن محمد، الإرشاد، ترجمه‌ی هاشم رسولی محلاتی،

تهران، نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۶.

۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی علیه السلام، قم، انتشارات نسل جوان، ۱۳۸۰.

۲۱. —، تفسیر نمونه، جلد ۳، چاپ سی و نهم، قم، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۸۶.

۲۲. نعمانی، ابن ابی زینب محمد بن ابراهیم بن جعفر، متن و ترجمه‌ی غیبت نعمانی، ترجمه‌ی محمد جواد غفاری، تهران، صدوق، ۱۳۷۶.

۲۳. نوروزی، محمد جواد، نظام سیاسی اسلام، قم، مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۳۸۳.

۲۴. هیئة العلمیه، معجم احادیث الإمام المهدی علیه السلام، قم، المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱.

۲۵. سایت www.hoze.com

